





شناسنامه

نام کتاب: سه پند شیطان
مؤلف: سید اسماعیل شاکر اردکانی
ناشر: نشر ذکری
چاپخانه: الهادی
سال و نوبت چاپ:
تیراژ: جلد
شابک:
قیمت:

تلفن مرکز پخش:



سه پند شیطان



سید اسماعیل شاکر اردکانی

فهرست مطالب

مقدمه	۸
هزار و سه پند از شیطان!!	۱۰
هزار پند دروغ!!	۱۲
از دشمن هم می شود درس آموخت	۱۲
همه احتیاج به موعظه دارند	۱۳
از کوچک ترها هم می شود پند آموخت	۱۴
پند اول شیطان	۱۸
نالاه اهل جهنم	۱۸
صدقه از چانه هفتصد شیطان عبور می کند!!	۱۹
خواب شب شما را نفریبد!	۲۱
در پنج کار عجله کنید	۲۱

پند دوّم شیطان ۲۴

مهمترین عامل دوزخی شدن مسلمانان! ۲۵

حساسیت اسلام در برخی از مسائل ۲۶

وسواس در استفاده از بیت المال ۲۷

سختی حساب حقّ الناس ۲۷

حساسیت اسلام در مسأله محرم و نامحرم ۲۸

میخ آهنین بر مغز بهتر از تماس با نامحرم! ۲۹

خطر نامحرم از شیر درنده بیشتر است ۳۰

تا این اندازه ریزه کاری و موشکافی؟! ۳۱

نیش عقرب و نگاه به نامحرم ۳۲

حساسیت حتی در صف جماعت!! ۳۴

چند خاطره از امام خمینی ۳۵

عذاب آرایش کردن و عطر زدن برای نامحرم ۳۶

وضع عفت و حجاب در آخرالزمان ۳۸

سخنی با متأهل ها ۳۹

آب از سر هیچ کس نگذشته! ۴۱

زنان دیگر هم مثل زن شما هستند ۴۲

شهوت تمام شدنی نیست ۴۳

۴۴. برای شهوت ران، زن های یک شهر هم کم است!!
۴۵. تقوا در مسائل شهوانی فرار کردن است!
- اگر ناموس خود را دوست دارید، نسبت به
۴۶. ناموس مردم عفت بورزید
۴۸. یک داستان حیرت آور!
۴۹. زنها هم چشم چرانی نکنند!
۵۰. یک سؤال و پاسخ کوتاه
۵۱. عواقب چشم چرانی و شوخی با نامحرم
۵۲. در مکانهای مقدس بیشتر احتیاط کنید!
۵۳. خنده فرشتگان و عذاب بی حجاب ها
۵۴. اگر حجاب نخواسته باشیم (پرسش و پاسخ)
۵۵. بی غیرت هرگز به بهشت نمی رود
۵۶. غیرت حیرت آور علی (علیه السلام)
۵۷. عصر «جاهلیت» تکرار می شود!
۵۹. راه درمان چیست؟
۶۰. از میان بردن زمینه های فساد
۶۰. وقتی قرار است...
۶۲. وقتی اینطور باشد...

۶۴.....	بیشترین نفع حجاب به زنان می‌رسد!
۶۴.....	اولین ثمره عفاف؛ آرامش روانی جامعه
۶۵.....	نتیجه‌گیری با یک حدیث شگفت
۶۷.....	نظری از روانشناسان
۶۷.....	مقایسه‌ای با تعلیم والای دین
۷۰.....	پند سوم شیطان
۷۱.....	راههای کنترل خشم و غضب
۷۳.....	غضب؛ یکی از درهای جهنم
۷۴.....	حادثه‌ای عجیب و دردناک
۷۶.....	عناد شیطان
۸۰.....	کتابنامه
۸۴.....	نمونه سؤال برای برگزاری مسابقات
۸۴.....	پاسخ سؤالات

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين و صلى الله
على محمد و آله الطاهرين

... اکثر مطالب این کتاب را بارها در منبرها و
سخنرانی هایم مطرح کرده ام و شور و اشتیاق، و نیاز و
احتیاج طبقات مختلف مردم، بویژه دختران و پسران جوان را
به چشم خود دیده ام و با همه وجود لمس نموده ام.
این نوشته را هم در پاسخ به نیاز طبقات مختلف
جامعه، بویژه جوان ها و خانواده ها تنظیم و جمع آوری
نموده ام.

امیدوارم با نظر لطف و اغماض به عیب های آن بنگرید و
با تذکرات دلسوزانه خود این جوان نوپا را راهنمایی فرمایید.
از استاد بزرگوارم جناب آقای عبدالکریم پاک نیا - که خود
اهل قلم و تحقیق نیز می باشند - صمیمانه تشکر و قدردانی
می کنم که زحمت بازخوانی مطالب را بر عهده گرفتند و برای
آن وقت صرف نمودند.

در پایان از خدا به دعا می‌خواهیم این ناچیز را از این
ناچیزتر بپذیرد و ذخیره معاد و روز بازگشتان قرار دهد و بر
توفیق و همتّمان در امر تحصیل و تبلیغ معارف دین بیفزاید و
از توجهات خاص ولیش علیه السلام بهره‌مندمان سازد.
الهی عاقبت محمود گردان

به حقّ صالحان و نیکمردان

والسلام

سید اسماعیل شاکر اردکانی

قم ، اردیبهشت ماه ۱۳۸۳

هزار و سه پند از شیطان!!

عصر نبوت حضرت موسی (علیه السلام) بود. آن حضرت از پیامبران اولوالعزم و از انبیای صاحب شریعت بودند که برای هدایت توده‌های مردم، به توحید و یکتا پرستی زحمات و مشقات زیادی را تحمّل نمودند و امتحان‌های بسیاری را با موفقیت پشت سر نهادند.

روزی آن حضرت در محلی نشسته بودند که ابلیس لعین^۱ نزد او آمد و در ضمن گفتگوهایش به آن حضرت عرض کرد: می‌خواهم «هزار و سه» پند و حکمت به تو بیاموزم و با این پند و اندرزها تو را موعظه کنم و راه تکامل و طریق سعادت را به تو نشان بدهم!!

حضرت موسی (علیه السلام) او را شناخت و به او این‌گونه پاسخ داد: آنچه که تو می‌دانی، بیشتر از آن را من می‌دانم، تو برو خود را موعظه کن و از بدبختی و فلاکت ابدی نجات بده، تو اهل موعظه و پند نیستی، اگر اهلّیت این کار را

۱ - نام ابلیس «حارث» بود، پس از آنکه از درگاه خدا رانده شد، به ابلیس لقب گرفت، زیرا «ابلیس» یعنی مأیوس گشته از رحمت خدا. قصه‌های قرآن، محمدی اشتهاوردی، ص ۱۸ و او را ابلیس لعین می‌نامند، چرا که خداوند او را مورد لعنت ابدی خود قرار داد: قَالَ فَأَخْرَجْ مِنْهَا فَاِنَّكَ رَجِيمٌ * وَ إِنَّ عَلَیْكَ لَعْنَتِیْ اِلَیْ یَوْمِ الدِّیْنِ. (سوره ص، آیه ۷۷ و ۷۸)

داشتی، هرگز در مقابل خدا قد علم نمی‌کردی و جسورانه دستوراتش را رد نمی‌نمودی، من موعظه و پند را می‌پذیرم و به پذیرش آن سفارش می‌کنم، اما نه از شخصی مثل تو. نیازی به پندهای تو ندارم و موعظه‌های دروغین تو را نمی‌پذیرم، چون خدای مهربان و آفریدگار متعال به ما دستور داده حرف تو را نپذیریم و به وسوسه‌ها و نیرنگ‌های تو گوش ندهیم و هرگز در راه تو قدم نگذاریم.

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ^۱

ای فرزندان آدم آیا با شما عهد نکردم که شیطان را نپرستید، چرا که او برای شما دشمن آشکاری است؟!

حضرت موسی (علیه السلام) این گونه به ابلیس پاسخ داد و مردانه در مقابلش ایستاد و طبق دستور الهی حرف او را نپذیرفت.

اما مثل این که این بار با دفعات قبلی متفاوت بوده و دستوری دیگر از طرف خداوند نازل شده؛ گویا خالق حکیم و رحیم، مصلحتی در کار دیده، و یا از سر رأفت و رحمت بی‌انتہایش فرصت و مهلتی دیگر به ابلیس داده، و شاید هم خواسته حضرت موسی (علیه السلام) را محکی تازه زده، عرصه امتحان و آزمایشی دیگر برایش ترتیب دهد. و یا آن که خواسته از زبان دشمن‌ترین دشمنان بنی‌آدم، موعظه و نصیحتی کرده و بار دیگر خصومت و شیطنت ابلیس را هرچه روشن‌تر به آن‌ها بنمایاند.

هزار پند دروغ!!

به هر حال جبرئیل امین علیه السلام نازل شد و پیام خدا را این گونه به پیامبرش ابلاغ نمود:

«ای موسی! خداوند متعال می‌فرماید: هزار پند و نصیحت ابلیس فریب و دروغ است و می‌خواهد تو را و بندگان مرا در زیر نقاب موعظه و نصیحت گمراه کند، اما **سه پند** او را به گوش بسپار و به آن عمل کن و به دیگران برسان که راه درست و طریق نجات در آن است و با عمل به این سه پند و موعظه، کمر ابلیس خم می‌شود و دستش از گمراهی شما قطع می‌گردد.» آری:

خمیر مایه استاد شیشه گر سنگ است

عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد

از دشمن هم می‌شود درس آموخت

از این قسمت روایت نکات ظریف و دقیقی به دست می‌آید و استفاده می‌شود، از جمله این که:

از دشمن هم می‌شود درس آموخت و حرف حق و سخن راست و درست را حتی می‌توان از شیطان پذیرفت. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

حکمت (و حرف راست و درست) گمشده انسان با ایمان است پس آن را دریابید گرچه از اهل نفاق باشد. (الحکمة ضالة المؤمنین فخذ الحکمة و لو من اهل النفاق)^۱
چنانکه مولوی می‌گوید:

۱ - نهج البلاغه صبحی صالح، حکمت شماره ۸۰.

شاخ گل هر جا که می‌روید گلست

خَمِ می هر جا که می‌جوشد مُلست

حضرت امیر (علیه السلام) در جایی دیگر فرموده‌اند: اُنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْتَظِرْ إِلَى مَنْ قَالَ.^۱

به حرف و سخن افراد بنگرید و کار به خود اشخاص نداشته باشید. یعنی حکمت و حرف حق را از هر کس بپذیرید.

سعدی در گلستان گفته است:

گفتِ عالم، به گوش جان بشنو

وَر نماند به گفتنش کردار

باطلست آن چه مدعی گوید

خفته را خفته کی کند بیدار

مرد باید که گیرد اندر گوش

وَر نوشته است پند بر دیوار^۲

یعنی اگر پند و اندرز بر دیوار هم نوشته شده باشد، باید از آن استفاده کرد و آن را بکار برد، همچنین است گفتار عالم بی‌عمل و موعظه دانشمند بی‌کردار.

همه احتیاج به موعظه دارند

نکته دیگر آن که: در این جا می‌بینیم خداوند متعال پیامبر اولوالعزمی چون حضرت موسی (علیه السلام) را مأمور گوش دادن به موعظه می‌کند.

در احادیث اهل بیت (علیهم السلام) هم نقل شده که رسول گرامی اسلام؛ حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) از جبرئیل امین تقاضای موعظه و

۱ - غررالحکم، جلد ۳، صفحه ۴۴۲.

۲ - گلستان سعدی، صفحه ۸۶.

نصیحت کردند و فرمودند: عِظْنِي (مرا موعظه کن).

جبرئیل در جواب حضرت این موعظه را بیان فرمودند: یا مُحَمَّد! عَشَ مَا شِئْتَ فَأَنْتَ مَيِّتٌ؛ وَ أَحَبُّ مَا شِئْتَ فَأَنْتَ مُفَارِقُهُ، وَ أَعْمَلُ مَا شِئْتَ فَأَنْتَ مُلَاقِيهِ، شَرَفُ الْمُؤْمِنِ صَلَاتُهُ بِاللَّيْلِ وَ عِزُّهُ كَفُّهُ عَنِ اعْرَاضِ النَّاسِ.^۱

ای محمد! آنگونه که دوست داری زندگی کن (ولی بدان که) بالاخره از دنیا خواهی رفت، و هر چه را می خواهی دوست داشته باش ولی بالاخره از آن جدا می شوی و هر کاری می خواهی انجام ده که بالاخره آن را ملاقات می کنی (و نتیجه اش را می بینی)، بدان که شرف مؤمن نماز شب اوست، و عزت او در بی نیازی و نگاهداری خویش از اعراض مردم است.

از کوچک ترها هم می شود پند آموخت

مسلم است که مقام و مرتبه فرشته مقرب الهی؛ جبرئیل امین به گرد پای رسول اکرم و پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نمی رسد و آن کس که مقامش بالاتر و برتر است از پایین تر از خود تقاضای موعظه نموده است، در احادیث معراج آمده که صعود و عروج پیامبر صلی الله علیه و آله به جایی رسید که جز خدا هیچ موجودی به آنجا راه ندارد، به طوری که جبرائیل از حرکت باز ایستاد و فرمود: «و لَوْ دَنَوْتُ أَنْمَلَةً لَأَخْتَرَفْتُ»^۲ اگر به اندازه سر انگشت بالاتر آیم، حتماً سوخته می شوم. مولوی در این مورد گفته است:

احمد ار بگشاید آن پرّ جلیل

تا ابد مدهوش ماند جبرئیل

۱ - نهج الفصاحه، ص ۱۵۹، حدیث ۲۵ و چهل حدیث امام خمینی، ص ۵۲۱

۲ - بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۸۲، باب اثبات المعراج.

چون گذشت احمد ز سدره مرصدش
و ز مقام جبرئیل و از حدش

گفت او را هین پیر اندر پیم
گفت رُو رُو من حریف تو نیم

گفت بیرون زین حد ای خوش فرّ من
گر زنم پری بسوزد پَر من^۱

حکیمی را گفتند که بزرگ‌ترین موعظه خود را از که
آموختی؟! گفت: از کودکی، در کوچه‌ای و در یک روز
برفی، هنگامی که به کودک گفتم مواظب باش در برف و
یخ نلغزی و نیفتی که کمرت می‌شکند و لباس‌هایت کثیف
می‌شود ... پاسخ داد: ای حکیم! افتادن من سهل است، تو
از خودت مراقبت کن و مواظب باش که نیفتی، چرا که از
لغزیدن و افتادن تو، پیروانت هم می‌افتند و گمراه می‌شوند،
(اِذَا فَسَدَ الْعَالَمُ فَسَدَ الْعَالَمُ) این بزرگ‌ترین موعظه‌ای بود که در
عمرم شنیدم. آری خوب گفته اند که «دُرّ گران‌بها از قیمت
خود نیفتد، هر چند کودک غوّاص از دریا آورده باشد» موعظه
بجا و درست هم دُرّی گران‌بهاست، هر چند از یک کودک
باهوش صادر شود.



پند اول شیطان



پند اول شیطان

پس از آن که حضرت موسی علیه السلام طبق دستور الهی از ابلیس خواست تا سه پند از هزار و سه پند و موعظه‌اش را بیان کند، ابلیس شروع کرد به بیان آن‌ها.

ای موسی! هرگاه تصمیم بر انجام کار نیکی گرفتی در انجام آن کار خیر، عجله و شتاب کن، وگرنه من تو را پشیمان می‌کنم و با تمام نیرو به تو حمله ور می‌شوم تا آن عمل نیک را انجام ندهی و کار خیرت را به سامان نرسانی.

ناله اهل جهنم

گرچه عجول و کم حوصله بودن و شتاب و عجله داشتن در کارها از شیطان است، چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

«إِنَّ الْأُنَاثَةَ مِنَ اللَّهِ وَالْعَجَلَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ»؛ تائی در کارها از خداست و شتاب زدگی از شیطان.

و حضرت صادق علیه السلام فرموده:

«مَعَ الْعَجَلَةِ تَكُونُ الدَّامَةُ»؛ عجله و شتاب، پشیمانی به همراه

دارد.

■ پند اول شیطان

اما عجله در انجام کارهای خیر، و شتاب کردن در عمل به تصمیم‌های نیکی که گرفته‌ایم، بسیار بجا و شایسته بوده و باعث نجات از وسوسه شیطان می‌گردد. لذا معروف است که گفته‌اند: «در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست».

در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) نقل شده که بیشترین پشیمانی و ناله اهل جهنم از «تسویف»؛ یعنی کار امروز را به فردا انداختن و موکول به آینده نمودن است. «إِنَّ أَكْثَرَ صِيَاحِ أَهْلِ النَّارِ مِنَ التَّسْوِيفِ»^۱

مؤمن ابن الوقت باشد ای رفیق

نیست فردا گفتن از شرط طریق

صدقه از چانه هفتصد شیطان عبور می‌کند!!

از باب مثال صدقه دادن و انفاق کردن [چه انفاقهای واجب و چه مستحب] برای شیطان بسیار گران تمام می‌شود و لذا همه سعی و تلاش خود را بکار می‌برد تا نگذارد صدقه‌ای، خمس، زکاتی و بخششی از کسی سر بزند تا آن جا که در روایت آمده، وقتی دستی در جیب می‌رود تا انفاقی انجام دهد، شیطان «هفتصد» بچه خود را مأمور می‌کند تا این دست از جیب بیرون نیاید و این انفاق صورت نگیرد؛ فَأَنَّهُمَا تَفَكَّ مِنْ بَيْنِ لَحْيَيْ سَبْعِمِائَةِ شَيْطَانٍ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنَ الصَّدَقَةِ عَلَى الْمُؤْمِنِ، وَ هِيَ تَقَعُ فِي يَدِ الرَّبِّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَبْلَ أَنْ تَقَعُ فِي يَدِ الْعَبْدِ.^۲

یعنی صدقه از بین چانه هفتصد شیطان خلاص می‌شود، و هیچ

۱ - جامع السعادات، ج ۳، ص ۴۶

۲ - وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۷۴، حدیث ۱۲۲۷۶.

چیز بر شیطان سنگین تر از صدقه بر مؤمن نیست، و صدقه قبل از آن که در دست مستحق قرار گیرد، به دست خدا می‌رسد.

صدقه؛ اره‌ای که سر شیطان را می‌برد!

و در روایتی از رسول گرامی اسلام ﷺ آمده است که حضرت فرمودند: زمانی از ابلیس پرسیدم که چرا مانع صدقه دادن و انفاق کردن مردم می‌شوی؟ (یا ملعون! لِمَ تَمْنَعُ الصَّدَقَةَ؟) ابلیس پاسخ داد: يَا مُحَمَّد! كَأَنَّ الْمِنْشَارَ يُوضَعُ عَلَى رَأْسِي وَ يَنْشُرُ كَمَا يَنْشُرُ الْخَشَبَ!

ای محمد! صدقه مانند اره‌ای است که روی سر من قرار می‌گیرد و سرم را همچون چوب می‌برد و تکه تکه می‌کند! پیامبر ﷺ پرسیدند چرا؟ مگر در صدقه و انفاق و خمس و زکات چه چیزی وجود دارد که برای تو تا این اندازه سخت و دشوار است؟!

ابلیس پاسخ داد: چون در صدقه پنج خصلت وجود دارد؛ (لَآنَّ فِي الصَّدَقَةِ خَمْسَ خِصَالٍ):

اول: مال‌ها را زیاد می‌کند (يَزِيدُ فِي الْأَمْوَالِ)
دوم: شفای مریض را به ارمغان می‌آورد (شِفَاءٌ لِلْمَرِيضِ)
سوم: بلاء و آفت را دفع می‌کند (تَدْفَعُ الْبَلَاءَ)
چهارم: صاحبان صدقه از صراط می‌گذرند (يَمُرُّونَ عَلَى الصِّرَاطِ)

پنجم: بدون حساب و عذاب وارد بهشت می‌شوند (يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَلَا عَذَابٍ)^۱

خواب شب شما را نفریبید!

نمونه دیگر آن که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید:
چه بسا تصمیم‌های روز که با خواب شب نقش بر آب شده
است. (ما انقضَ النّومَ لِغَزَائِمِ الْيَوْمِ)^۱

اگر در روز به عیادت مریضی رفتی، یا در تشییع جنازه‌ای شرکت کردی، یا حالت رقت قلب برایت پیش آمد و تصمیم‌های نیکی گرفتی و انجام کارهای خیری را نیت نمودی، تا شب نشده و خوابیده‌ای این کارها را انجام بده و در عملی کردن تصمیم‌هایت عجله کن، چرا که اگر تا شب صبر کنی و خواب بر تو غلبه کند، فردا صبح از آن حالت خبری نیست و نیت‌ها و تصمیم‌های خیرت نقش بر آب شده و اثری از آن‌ها باقی نمانده است. خواب گاهی از شیطان است و باعث خسارت و ضرر و زیان در انجام امور خیر می‌شود.

لذاست که حضرت در جایی دیگر فرمودند: بئسَ الغریمُ النّومُ؛
يُفْنِي قَصِيرَ الْعُمْرِ، وَ يُفَوِّتُ كَثِيرَ الْأَجْرِ.^۲

بد طلبکاری است خواب، عمر کوتاه را به باد فنا می‌دهد، و اجر و پاداش فراوان را از کف انسان می‌رباید.

در پنج کار عجله کنید

مثال دیگر آنکه در کتاب «مواعظ العدیدة» آمده است:
الْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ إِلَّا فِي خَمْسٍ فَاتَّهَا مِنْ سُنَّةِ رَسُولِ
الله (صلی الله علیه و آله)؛ عجله کردن در کارها از شیطان است مگر
در پنج مورد، که عجله کردن از سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌باشد:

۱ - نهج البلاغه، حکمت ۴۴۰.

۲ - غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۵۲۳، ح ۱۰۰۲۸ و میزان الحکمه،
حدیث ۲۰۹۲۴

اول: پذیرایی از مهمان (اطعاً الضیفِ اذا نَزَلَ)
 دوم: تجهیز و دفن میّت (و تجهیزُ المیتِ إذا مات)
 سوم: شوهر دادن دختر زمانی که به حد بلوغ جسمی و شرعی رسید و شرایط آن فراهم شد (و تزویج البنت اذا أَدْرَكَتْ)
 چهارم: پرداختن قرض در موعد مقرر (و قضاء الدّین اذا وَجَبَ)

پنجم: توبه از گناه (و التوبة من الذنبِ اذا أَفْرَطَ)^۱
 به هر حال این چنین نتیجه می گیریم که عجله کردن در امور خیر و انجام اعمال نیک (به طور کلی) پسندیده می باشد و از عجله و شتابی که نهی شده مستثنی می گردد، با ذکر حدیثی از امام صادق (علیه السلام) این بخش را به پایان می بریم:
 کان أبی یقول: إذا هَمَمْتَ بخیر فبادر فانک لا تدری ما یحدُثُ.^۲
 امام صادق (علیه السلام) فرمودند: پدرم مکرر به من می فرمود: هرگاه برای انجام کار خیری تصمیم گرفتی، عجله کن چرا که معلوم نیست در آینده چه اتفاقی می افتد.
 حافظ می گوید:

دایم گل این بستان شاداب نمی ماند
 دریاب ضعیفان را در وقت توانایی

۱ - المواعظ العددیة، آیت الله مشکینی، ص ۲۷۸.

۲ - اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴۲، حدیث ۳



پند دؤم شیطان



پند دوم شیطان

ای موسی! اگر با زن نامحرمی خلوت کردی، از من غافل مباش که سخت در فکر هلاکت تو هستم و همه نیروی خود را در گمراه کردن تو به کار می‌گیرم و تا تو را به حرام نیندازم و پرده عفت را پاره نکنم، از پای نمی‌نشینم. ای موسی! نمی‌دانی چه انسان‌هایی را از طریق شهوت جنسی و از راه چشم‌چرانی و مسائل ناموسی، بورطه سقوط و تباهی کشانده‌ام و در دنیا و آخرت بدبخت نموده‌ام.

مگر برصیصای عابد مستجاب الدعوه! را پس از سال‌ها عبادت و ریاضت با نگاه کردن و دست‌درازی به دختر پادشاه زمانش، به قعر جهنم نفرستادم!!

مگر به خاطر شهوترانی و هوسرانی یک مرد، و عشوہ‌گری و بی‌حیایی یک زن نبود که سر مطهر حضرت یحیی (علیه السلام) پیامبر بزرگ الهی، از تن جدا شد و به عنوان مهریه دختر، در مجلس پادشاه عشوہ‌گر حاضر گردید؟!

ای موسی! آیا نمی‌دانی که من چگونه از زنان سوء استفاده می‌کنم تا آن جا که بزرگترین وسیله فریب دادن و صید کردن انسان‌ها برای من «زنان» هستند؟!

مسلم است که زن به ذاته ابزار صید شیطان نیست، بلکه تیرِ شیطان، همان نگاه به نامحرم، و فکر و خیال درباره زن نامحرم و ناموس مردم است، که شیطان با این روش بسیاری از مردم را فریب داده و می‌دهد و انسان‌های زیادی در این مسیر خطرناک لغزیده و سقوط کرده‌اند.

نکته دیگر آن که زن بی‌تقوی و بی‌حجاب نیز، مهم‌ترین حربه شیطان برای گمراهی مردم است که شیطان با چنین زنان بی‌حیا و بی‌تقوی، کارهای بزرگی انجام می‌دهد و ضربه‌های محکمی بر دین و ایمان مردم وارد می‌سازد.

مهمترین عامل دوزخی شدن مسلمانان!

در طول تاریخ این مطلب به اثبات رسیده که؛ شهوترانی و پیروی خواهش‌های نفسانی و غرایز جنسی، بزرگترین عامل سقوط اجتماع‌ها، و بدبختی و فلاکت انسان‌ها بوده است.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی می‌فرماید:

«طبق نظر کارشناسان حقوقی، «شهوت جنسی»

در ایجاد جرم و جنایت نقش عمده را دارد تا جایی

که گفته شده است: «در هر جنایتی، شهوت جنسی نیز

دخیل بوده است». شاید این تعبیر، مبالغه‌آمیز باشد،

ولی به یقین منشأ بسیاری از جنایات و انحرافات،

طغیان «غریزه جنسی» و شهوت‌پرستی است.

خون‌های بسیاری در این راه ریخته شده و اموال

فراوانی بر باد رفته، اسرار مهم کشورها به وسیله

زنان جاسوسی که سرمایه و ترفند کارشان استفاده از

زیبایی و آلودگی‌شان بوده، افشا شده و آبروی بسیاری

از آبرومندان در این راه ریخته شده است»^۱.
و شگفت آن که - به فرموده پیامبر گرامی اسلام ﷺ - یکی از علل اصلی جهنم رفتن مسلمانان نیز، همین شهوت جنسی و پیروی از خواهش‌های نفسانی است. آن حضرت فرموده‌اند: بیشترین چیزی که سبب دوزخی شدن امت من می‌شود، دو چیز میان تهی است؛ شکم و فرج. (اَكْثَرُ مَا تَلِجُ بِهِ أُمَّتِي النَّارَ الْأَجْوَفَانِ؛ الْبَطْنُ وَ الْفَرْجُ)^۲

«مولوی» هم می‌گوید اگر می‌خواهید بهشت روید و از جهنم نجات پیدا کنید، خواهش‌های نفسانی و شهوانی خود را کنترل کنید:

ترک شهوت‌ها و لذت‌ها سخاست

هر که در شهوت فروشد بر نخاست

این سخا شاخی است از سرو بهشت

وای او کز کف چنین شاخی بهشت

حساسیت اسلام در برخی از مسائل

دین مبین اسلام در برخی از مسائل، به خاطر مصالح انسان‌ها، حساسیت ویژه‌ای به خرج داده و وسواس و دقت زیاد در آن‌ها را می‌پذیرد. از باب مثال؛ موضوع حق الناس و بیت المال را می‌توان نام برد که حساب آن بسی دشوار و مشکل بوده و سخت‌گیری و حساسیت ویژه‌ای در آن به عمل آمده است. برای نشان دادن این حساسیت به این دو نمونه کوتاه توجه فرمایید:

۱ - اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۲۸۴.

۲ - اصول کافی، ج ۲، ص ۷۹، حدیث ۵.

وسواس در استفاده از بیت المال

۱. در یکی از بخشنامه‌هایی که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) برای مأموران حکومت اسلامی نوشته‌اند آمده است:
 أَدِقُّوا أَقْلَامَكُمْ، وَ قَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ، وَ اخْذِفُوا مِنْ فُضُولِكُمْ، وَ اقْصِدُوا قَصْدَ الْمَعَانِي، وَ آيَاكُمْ وَ الْأَكْثَارَ، فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ.^۱

قلم‌های خود را تیز کنید (تا ریز و نازک بنویسد) و سطرهای خود را نزدیک به هم بنویسید، و بیش از آنچه مقصود را برساند ننویسید، و کاغذ زیاد مصرف نکنید! چون اموال عمومی و بیت المال مسلمین تحمل همچون زبانی را ندارد.

الله اکبر! چه وسواس شگفتی و چه حساسیت بی‌نظیری!!
 آیامی‌توان از این بخشنامه حضرت امیر (علیه السلام) به سادگی گذشت؟
 و آیا عمل کردن به آن وسواس و دقت بیش از اندازه نمی‌طلبد؟! بعد از این سخنان حضرت امیر (علیه السلام) به یاد این دو بیت از کتاب «منطق الطیر» عطار می‌افتیم که:

تو به تاریکی «علی» را دیده‌ای

زان سبب غیری بر او بگزیده‌ای

ای پسر تو بی‌نشانی از علی

عین و لام و یاء دانی از علی

سختی حساب حق الناس

۲. در روایات نقل است که روزی گذر حضرت عیسی (علیه السلام) بر سر قبری افتاد، از خداوند متعال درخواست کرد که صاحب قبر

۱ - خصال شیخ صدوق، ص ۳۱۰، ح ۸۵.

را به قدرت و اذنش زنده کند. همین که زنده شد از او سؤال کرد: وضع و حال تو بعد از مرگ چگونه است؟
 عرض کرد: من حَمَّال و باربر بودم، روزی هیمة‌ای^۱ برای کسی می‌بردم؛ خلّالی از آن جدا کردم تا دندان خود را با آن خلّال کنم؛ از آن زمان که مرده‌ام عذاب همان خلّال را می‌کشم!!^۲
 خواجه عبدالله انصاری درباره سختی حساب حق‌الناس می‌گوید:

یکدانه زحق هر که در گردن تست

آن دانه به نزدیک خدا رهزن تست

فردا نرهی ز دوزخ امروز اگر

یک موی ز حق دیگری بر تن تُست

می‌بینید که جواب حق‌الناس را دادن به این سادگی‌ها نیست و دقت و حساسیت زیاد، در اینجا امری مطلوب است. شاید «مولوی» به سختی حساب حق‌الناس اشاره کرده که می‌گوید:

گر شود عالم پر از خون مالمال

کی خورد مرد خدا الاّ حلال

حساسیت اسلام در مسأله محرم و نامحرم

از جمله مواردی که اسلام به آن اهمیت داده و حساسیت ویژه‌ای برای آن قائل شده است، مسأله روابط زن و مرد نامحرم است، چون بنای جزوه بر اختصار است تنها به ذکر آیات و روایات اکتفا می‌شود:

۱ - هیمة: هیزم.

۲ - کبریت الاحمر، فصل چهارم، ص ۷۰

۱. خداوند متعال در قرآن شریف (سوره نور، آیه ۳۰ و ۳۱) می‌فرماید: به مردان با ایمان بگو: چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرم) فرو گیرند، و دامن‌های خود را حفظ کنند که این برای آن‌ها پاکیزه‌تر است و خدا به آنچه انجام می‌دهند آگاه است. و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرم) فرو گیرند، و دامن‌های خویش را حفظ کنند، و زینت خود را جز آن مقدار که پیداست، آشکار نمایند. و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه آن‌ها پوشیده شود)... و هنگام راه رفتن پاهای خود را (به زمین) نکوبند که زینت پنهانشان دانسته شود...

استاد شهید مطهری رحمته الله با توجه به این آیات درباره موضوع حجاب در اسلام می‌نویسد: «در میان مسائل فقهی شاید کمتر مسأله‌ای این چنین پیدا شود که این گونه مورد اتفاق نظر میان علمای اسلام اعم از شیعه و سنی بوده باشد.»^۱

میخ آهنین بر مغز بهتر از تماس با نامحرم!

۲. از موارد دیگری که در قرآن آمده، قضیه آب دادن دختران حضرت شعیب علیه السلام به گوسفندان است که حضرت موسی علیه السلام دید گله را دورتر از سایر گله‌ها و محل آبشخور گوسفندان نگه داشته‌اند! وقتی علت را پرسید، در جواب گفتند: لا نَسْقِي حَتَّى يُصَدَّرَ الرِّعَاءُ؛ ما به گوسفندان خود آب نمی‌دهیم تا آنکه چوپانان مرد، گله‌شان را سیراب کنند و بازگردند. اهمیت حفظ حریم بین زنان و مردان از این آیه شریفه نیز روشن می‌شود. ۳. از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده: اگر سوزنی یا میخی

۱ - مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۵۳

۲ - سوره قصص، آیه ۲۳

را با شدت و ضربه، بر سر یکی از شما فرو کنند، بهتر از آن است تا زنی را که نامحرم است لمس کند. (لَا نَ يُطْعَنَ فِي رَأْسِ أَحَدِكُمْ بِمُخْطِطٍ مِنْ يَدَيْهِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَمَسَّ امْرَأَةً لَا تَحِلُّ لَهُ)^۱
یعنی لمس بدن نامحرم، برای دین و ایمان و سعادت و آخرت شما ضربه و خطر بزرگی است و ممکن است باعث سقوط و انحراف شما شود و بدبختی و شقاوت ابدی شما را به ارمغان بیاورد.

خطر نامحرم از شیر درنده بیشتر است

۴. پیامبر اکرم ﷺ: هیچ مردی با زن نامحرم خلوت نکند؛ چرا که سومین آن‌ها شیطان خواهد بود.^۲

۵. در داستان دختران شعیب و حضرت موسی (علیه السلام) می‌خوانیم که حضرت موسی (علیه السلام) تقاضا کرد که او جلو حرکت کند و آن‌ها از پشت سر او را راهنمایی کنند تا نگاه او به پشت سر دختران نخورد! (كُونِي خَلْفِي وَ دَلِّينِي عَلَى الطَّرِيقِ)^۳

حضرت داود (علیه السلام) نیز به پسرش این چنین سفارش کرد: یا بُنَيَّ اِمْسِ خَلْفَ الْأَسَدِ وَالْأَسُودَ وَ لَا تَمْشِ خَلْفَ الْمَرْأَةِ.^۴

پسرم! پشت سر شیر درنده و دیگر درندگان راه برو، اما پشت سر زن نامحرم راه مرو [چرا که خطر حرکت در پشت سر نامحرم از خطر حرکت، پشت سر شیر درنده بیشتر است!]

۶. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام): عَمَى الْبَصَرِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مِنَ النَّظَرِ.^۵

۱ - مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۳۲۶

۲ - مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۶۶: لَا يَخْلُونَ رَجُلٌ بامرأةٍ فَإِنَّ ثَالِثَهُمَا الشَّيْطَانُ

۳ - ذیل آیه ۲۶ سوره قصص و بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۴

۴ - المحجة البيضاء، ج ۵، ص ۱۸۰

۵ - ترجمه میزان الحکمة، ج ۱۳، ص ۶۳۱۴، حدیث ۲۰۲۴۷.

کور بودن چشم، بهتر از بسیاری از نگاه‌هاست.
و از حضرت یحیی علیه السلام نقل شده: الموتُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَظَرَةٍ
لغيرِ واجب؛ مردن نزد من خوشتر است از نگاهی که ضروری
نباشد! (چه برسد به نگاه‌های حرام).

و از حضرت عیسی علیه السلام روایت شده که به حواریون فرمودند:
از نگاه کردن به آنچه منع شده‌اید بپرهیزید؛ چرا که آن تخم
شهوت‌ها و گیاه گناه است. (إِيَّاكُمْ وَالنَّظَرَ إِلَى الْمَحْذُورَاتِ؛ فَإِنَّهَا
بَذَرُ الشَّهَوَاتِ وَ نَبَاتُ الْفِسْقِ)^۱

استاد شهید مطهری در کتاب «تعلیم و تربیت در اسلام»
نقل کرده اند که: مرحوم آقا شیخ عبد‌الکریم حائری [استاد
امام خمینی و مؤسس حوزه علمیه قم] می‌گفتند من حتی اگر
در خواب هم زن نامحرم ببینم چشم‌هایم را می‌بندم.^۲

تا این اندازه ریزه‌کاری و موشکافی؟!

۷. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : لَا تُنْزِلُوا النِّسَاءَ الْغُرَفَ...^۳ طبقه بالای
ساختمان برای مسکن زنان مناسب نیست، چرا که ممکن است
توسط نامحرم دیده شوند یا آن‌ها از بالای ساختمان مردان
بیگانه را ببینند و خدای نکرده در اثر این نگاه‌ها افرادی به
انحراف و فساد بیفتند.

و امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:
لَيْسَ لِلنِّسَاءِ مِنْ سَرَواتِ الطَّرِيقِ شَيْءٌ وَلَكِنَّمَا تَمْشِي فِي جَانِبِ

۱ - هر دو از بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۴۲.

۲ - مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۵۶۶.

۳ - فروع کافی، ج ۵، ص ۵۱۶، حدیث ۱، حدیث ادامه دارد.

الْحَائِطِ وَ الطَّرِيقِ.^۱

زنان از وسط جاده و خیابان عبور نکنند، بلکه از کنار دیوار و پیاده رو (خیابان) عبور نمایند.

مسلم است زنی که در وسط راه حرکت می‌کند، از همه طرف در دید دیگران است و احتمال برخوردش با مردان نامحرم بیشتر و زیادتر می‌باشد، لذا پیامبر اکرم ﷺ سفارش می‌کنند که زنان از وسط راه عبور نکنند و تا می‌توانند خود را از نگاه مردان بپوشانند.

۸. رسول خدا ﷺ : اِذَا جَلَسَتِ الْمَرْأَةُ مَجْلِسًا فَقَامَتْ عَنْهُ فَلَا يَجْلِسُ فِي مَجْلِسِهَا أَحَدٌ حَتَّى يَبْرُدَ.^۲

هنگامی که زنی در جایی نشست (مثلاً صندلی ماشین یا روی مبل و...) و سپس از آنجا برخاست، کسی در جای او ننشیند تا این که گرمی آنجا از بین برود. چرا که ممکن است همین اندازه، باعث انحراف شود و مرد نامحرم را به فکر و خیال وا دارد.

نیش عقرب و نگاه به نامحرم

۹. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: الْمَرْأَةُ عَقْرَبٌ حُلُوَّةُ اللَّسْبَةِ.^۳

زن (نامحرم) مثل عقرب است که نیش آن شیرین است.

حضرت آیت الله جوادی آملی (حفظه الله) در توضیح این کلام حضرت می‌فرماید: «این جمله مذمت زن نیست،

۱ - فروع کافی، ج ۵، ص ۵۱۸، حدیث ۱ و بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۶۱، حدیث ۲۲.

۲ - من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۴۴۳، ح ۴۶۲۵

۳ - نهج البلاغه، کلمه قصار ۶۱.

بلکه مذمت نگاه به نامحرم است. این گونه روایات هشدار می‌دهد به مرد است تا فریب شهوت را نخورد. نیش عقرب مثل نیش زنبور عسل و نظیر سوزن نیست، بلکه اگر انسان نداند عقرب است از نیش آن احساس لذت و شیرینی می‌نماید مثل آن که یک شیرینی در کام بچه بریزند که ظاهرش شیرین، اما درونش تلخ و مسموم است. این سخن برای آن نیست که بگویند زن عقرب است بلکه می‌فرماید: خود را به وسیله نگاه به نامحرم به آتش ندهید، دیدن نامحرم شیرین است اما این گناه، درونش عقرب است...^۱

آتشش پنهان و ذوقش آشکار

دود او ظاهر شود پایان کار

۱۰. پیامبر اکرم ﷺ اهمیت و حساسیت این موضوع را تا بدانجا می‌رسانند که از صحبت کردن زن نامحرم با مرد نامحرم نهی می‌کنند و می‌فرمایند: در هنگام ضرورت بیش از پنج کلمه با نامحرم صحبت نکنید! (نهی أن تتکلم المرأة عند غیر زوجها و غیر ذی محرم منها اکثر من خمس کلمات ممّا لا بدّ لها منه).^۲

و از حضرت مسیح علیّه‌السلام روایت شده که: اگر می‌توانی که حتی به لباس زن نامحرم نگاه نکنی، چنین کن. (إن قدرت أن لا تنظر إلى ثوب المرأة التي لا تحلّ لك فافعل)^۳

شاید امروز نتوان به برخی از این روایات عمل کرد؛ اما با مطالعه آن‌ها، حساسیت و اهمیت موضوع روابط زن و مرد نامحرم هر چه بیشتر بر ما آشکار می‌گردد.

۱ - زن در آینه جلال و جمال، ص ۳۷۴ و ۳۷۵.

۲ - وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۹۷، حدیث ۲۵۴۱۶.

۳ - مجموعه ورام، ج ۱، ص ۶۲.

حساسیت حتی در صف جماعت!!

۱۱. عجیب است که این حساسیت حتی در صف نماز جماعت هم اعمال شده است؛ از رسول خدا ﷺ منقول است که: بهترین صفوف مردان (در نماز جماعت) صف اول است، و بدترین آن صف آخر! و بهترین صفوف زنان صف آخر است، و بدترین آن‌ها صف اول!! (خَيْرُ صُفُوفِ الرِّجَالِ أَوَّلُهَا، وَ شَرُّهَا آخِرُهَا، وَ خَيْرُ صُفُوفِ النِّسَاءِ آخِرُهَا، وَ شَرُّهَا أَوَّلُهَا)^۱

در نمازهای جماعت معمولاً زن‌ها پشت سر مردها می‌ایستاده‌اند، و این چگونگی باعث می‌شد که صف اول مردها از همه صفوف دیگر، فاصله‌اش تا زن‌ها زیادتر باشد و صف آخر مردها نزدیک‌ترین صفوف به زن‌ها قرار می‌گرفت، و پیامبر اکرم ﷺ با توجه به این ملاک، بهترین و بدترین صفوف را مشخص می‌نمایند و در مورد زنان هم همین ملاک و حکمت را اجرا می‌کنند و می‌فرمایند: بهترین صف زنان، صف آخر است، چرا که از مردان نامحرم فاصله بیشتری دارند و بدترین صف زنان صف اول آن‌هاست، چرا که به مردان نامحرم نزدیک‌ترند!!

الله اکبر! ببینید این همه دقت‌ها و حساسیت‌ها را، و بنگرید به این همه باریک بینی و موشکافی اسلام در روابط زن و مرد نامحرم. و آنگاه این همه بی‌پروائی‌ها و بی‌مبالاتی‌های ما مدعیان اسلام را ملاحظه کنید و ببینید تفاوت کار از کجاست تا به کجا؟! آری!

گر مسلمانی از این است که حافظ دارد

وای اگر از پس امروز بود فردایی

متأسفیم که وقتی به برخی به اصطلاح با فرهنگ‌ها! و حتی متدین‌ها! - به عنوان مثال - پیشنهاد می‌شود که سفره غذای زنان و مردان را - به علت نامحرم بودن - از هم جدا پهن کنند، اعتراض می‌کنند و نسبت خشک مغزی و مقدس مآبی به طرف می‌دهند...

و افسوس می‌خوریم که عده‌ای دور بودن و حیا داشتن، و صحبت نکردن و رو در رو نشدن نامحرمان با هم را، نشانه بی‌فرهنگی و عقب ماندگی، و پرت بودن از مسائل زمان و جهان می‌دانند... و گاه مسخره می‌کنند.

چند خاطره از امام خمینی رحمته الله علیه

در اینجا بد نیست به چند جمله از سیره بزرگ مرد اسلام و جهان؛ حضرت امام خمینی رحمته الله علیه اشاره کنیم، و از پرتو آن توشه برداریم:

«امام خمینی رحمته الله علیه صحبت بی‌مورد زن‌ها با نامحرم را ضرورت نمی‌دیدند. مثلاً در خانه خودشان وقتی یکی از نوه‌های پسرشان مکلف می‌شد دیگر با آن‌ها در یک اتاق نمی‌نشستیم، نه فقط سر یک سفره نمی‌نشستیم، بلکه می‌گفتند حتی به همدیگر سلام هم نکنید چون واجب نیست. از مسائلی که امام خمینی رحمته الله علیه بیشتر روی آن توجه داشتند محدود بودن ارتباط زن و مرد بود... امام همیشه مقید بودند ما (دخترها) از مغازه چیزی نخریم، با این که ما بچه ده ساله بودیم می‌گفتند: چیزی می‌خواهید بگویید این کارگر (کارگر منزل امام) بخرد.

امام در عین حال که به ارتباط زن و مرد (نامحرم) بسیار

حساس بودند، به این امر نیز معتقد بودند که زن با حفظ خود از گناه می‌تواند بیشترین فعالیت را داشته باشد.^۱

۱۲. امیرالمؤمنین (علیه السلام) مشاهده کردند که زنان مسلمان به بازار می‌روند و در هنگام خرید با مردان نامحرم تماس پیدا می‌کنند و چشم نامحرمان به زینت‌های آن‌ها می‌افتد، خطاب به مسلمانان فرمودند:

آیا شما غیرت ندارید و حیا نمی‌کنید که زنانتان به بازارها سرازیر می‌شوند و با بی‌بندوبارها اختلاط پیدا می‌کنند؟! (أَمَّا تَسْتَحْيُونَ وَلَا تُغَارُونَ نِسَائِكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ وَيُزَاحِمْنَ الْعُلُوجَ)^۲

عذاب آرایش کردن و عطر زدن برای نامحرم

از اموری که در روایات از آن نهی شده، زینت کردن و آرایش نمودن زن‌ها برای نامحرم است که باعث جلب توجه و تحریک جنس مخالف می‌شود. به این دلایل نقلی توجه کنید:

■ خداوند متعال (در سوره نور، آیه ۳۱) می‌فرماید: وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ ... وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ؛ به زنان با ایمان بگو هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود.

استاد شهید مطهری درباره این قسمت از آیه شریفه می‌فرماید: «به طور کلی زن در معاشرت نباید کاری بکند که موجب تحریک و تهییج و جلب توجه مردان نامحرم گردد. هر

۱ - جلوه دیدار، یکصد خاطره از امام خمینی، ص ۲۶ و ۲۷ به نقل از خانم اشراقی و مصطفوی.

۲ - فروع کافی، ج ۵، ص ۵۳۷، حدیث ۶.

چیزی که موجب جلب توجه مردان می گردد مانند استعمال عطرهای تند و همچنین آرایش‌های جالب نظر در چهره ممنوع است.^۱

■ رسول خدا ﷺ از زینت کردن و آرایش نمودن زنان برای غیر شوهر نهی کردند و فرمودند که اگر زنی چنین کند، خداوند حق دارد که او را در آتش بسوزاند. (نهی النبی أن تتزین المرأة لغير زوجها فإن فعلت كان حقاً على الله أن يحرقها بالنار)^۲

■ از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده که: هرگاه زنی برای جلب نظر

نامحرمان عطر بزند و در بین آنها رود [در حکم] زناکار است. (إذا استعطرت المرأة فمرت على القوم لیجدوا ریحها فهي زانیة)^۳

■ در کتب فقهی از جمله غسل‌های مستحبی غسل زنی است که برای غیر شوهرش عطر زده است.^۴ چنین زنی مستحب است غسل کند تا هر چه سریعتر بوی عطر از بدنش پاک شود. مستند شرعی این مسأله هم، این روایت نقل شده از حضرت صادق (علیه السلام) است که: أیما امرأة تطیبت لغير زوجها لم تقبل منها صلاة حتی تغتسل من طیبها کغسلها من جنابتها؛ هر زنی که برای غیر شوهرش عطر بزند، نمازش پذیرفته نیست تا وقتی که همه بدنش را بشوید و غسل کند؛ مانند غسل جنابت. شاید علتش این باشد که طبق برخی روایات، تا وقتی بوی عطر از بدن این زن به مشام می‌رسد؛ مورد لعن و نفرین قرار می‌گیرد. از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرموده اند:

۱ - مجموعه آثار، (مسأله حجاب) ج ۱۹، ص ۴۹۱

۲ - بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۳، ح ۱۳

۳ - کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۸۱، ح ۴۵۰۰۲

۴ - عروة الوثقی، ج ۱، کتاب الطهارة، ص ۳۷۴

۵ - وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۳۳۹، ح ۳۸۱۲

هر زنی که خود را (برای جلب توجه دیگران) خوشبو ساخته و از خانه خود بیرون رود، تا وقتی که به خانه بر می گردد، مورد نفرین قرار می گیرد.^۱

وضع عفت و حجاب در آخرالزمان

از رسول خدا ﷺ نقل شده که درباره علائم آخرالزمان - از جمله - فرمودند:

در آن دوره مرد را برای پوشیده نگه داشتن همسر و محارمش سرزنش می کنند. (و يُعَيِّرُ الرَّجُلَ عَلَى صُورِ النِّسَاءِ)^۲
«اصبغ ابن نباته» از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت کرده است که حضرت فرمودند:

در دوره آخرالزمان و نزدیکی قیامت که بدترین زمانه‌هاست؛ گروهی از زنان ظاهر می‌شوند که بی‌حجاب و برهنه‌اند، خود را برای نامحرمان می‌آرایند، در فتنه‌ها داخل می‌شوند، به شهوات میل دارند، به سوی لذات شتاب می‌کنند، حرام‌ها را حلال می‌شمارند و [به خاطر این کارها] وارد جهنم می‌شوند.^۳

در روایت دیگری از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده که فرمودند:
دو گروه از دوزخیان هستند که همچون آن‌ها ندیده‌ام؛ [اول] گروهی که تازیانه‌هایی چون دُم گاو با خود دارند و با آن مردم را می‌زنند و [دوم] زنانی نیمه عریان که خود بی‌راهند، دیگران را هم

۱ - بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۷، ح ۲۷: أَيْةُ إِمْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ ثُمَّ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا فَهِيَ تُلَعْنُ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا

۲ - إلْزام النَّاصِبِ، ص ۱۸۳ و بشارة الإسلام، ص ۱۳۳

۳ - من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۹۱، ح ۴۳۷۹ و كنز العمال، ج ۱۶، ح ۴۵۱۰۶: يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ اقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَ هُوَ شَرُّ الْأَزْمِنَةِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتٌ عَارِيَّاتٌ مُتَبَرِّجَاتٌ مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتٌ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتٌ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٌ إِلَى الذَّاتِ مُسْتَحِلَّاتٌ لِلْمَحْرَمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ

از راه بی راه می‌کنند و سرهایشان مانند کوهان شتر، متمایل است که نه تنها وارد بهشت نمی‌شوند، بویش را هم در نمی‌یابند؛ در حالی که بوی بهشت از چنین و چنان مسیری قابل درک است. (صَفَانِ مِنَ أَهْلِ النَّارِ لَمْ أَرَهُمَا؛ قَوْمٌ مَعَهُمْ سَيَاطٌ كَأَذْنَابِ الْبَقَرِ يَضْرِبُونَ بِهَا النَّاسَ، وَ نِسَاءٌ كَاسِيَاتٌ عَارِيَاتٌ مَائِلَاتٌ مُّيَلَاتٌ رُؤُوسُهُنَّ كَأَسْنِمَةِ الْبُخْتِ الْمَائِلَةِ لَا يَدْخُلْنَ الْجَنَّةَ، وَ لَا يَجِدُونَ رِيحَهَا وَ إِنَّ رِيحَهَا لِيُوجِدُ مِنَ مَسِيرَةِ كَذَا وَ كَذَا)^۱

بیان علائم آخرالزمان برای این است که ما خود را از وارد شدن در این امور حفظ کنیم و از خداوند متعال حفظ و حراست و نجات از این بدعت‌ها را طلب نماییم. چنان که از حضرت صادق (علیه السلام) روایت شده که پس از بیان بدعت‌های آخرالزمان به مخاطبان خود فرمودند: «فَكُنْ عَلَى حَذَرٍ وَ اطْلُبْ مِنْ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ النَّجَاةَ؛ از این امور بر حذر باش و از خداوند نجات طلب کن.»^۲

سخنی با متأهل‌ها

خیلی از افراد فکر می‌کنند خطر نگاه به نامحرم مربوط به قبل از ازدواج است و بعد از ازدواج دست آن‌ها برای نگاه به نامحرم باز است و با خیال راحت می‌توانند چشم‌چرانی کنند و اثری در دین و ایمان و زندگی و خانواده‌شان ندارد. برخی هم اینطور توجیه می‌کنند که آب از سر ما گذشته، ما زن و بچه داریم و نگاه کردن و نکردن ما فرقی ندارد و خطری ما را تهدید نمی‌کند.

اما این سوء برداشت عواقب وخیمی را در پی خواهد

۱ - پیام پیامبر، ص ۴۲۲، کنزالعمال، ج ۱۶، ص ۳۸۳، ح ۴۵۰۱۳

۲ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷

داشت؛ آیا می‌دانید که خیلی از اختلافات بین زن و شوهر ناشی از آن است که در چشم گنه‌کار مرد، صورت ده‌ها زن نامحرم جلوه می‌کند و همسرش را از نظرش می‌اندازد؟!

آیا می‌دانید در نتیجه این نگاه‌ها چه نزاع‌های خانوادگی و چه انحراف‌های ناموسی بوجود آمده؟!

و آیا می‌دانید این نگاه‌ها، چه افرادی را پای محکمه طلاق حاضر کرده و چه محیط‌های گرمی را به لجنزار تبدیل نموده و چه انسان‌هایی را به گوشه زندان انداخته و چه خانواده‌هایی را از هم پاشیده و چه کودکانی را بی‌سرپرست کرده است؟!

آیا می‌دانید برخی از افراد بعد از ازدواج جسورتر می‌شوند و چشم چرانی آن‌ها بیشتر می‌شود؟! و آیا می‌دانید چشم‌چرانی و بدحجابی، یکی از عوامل مؤثر در فروپاشی خانواده‌ها و افزایش میزان طلاق می‌باشد؟!

و آیا می‌دانید که چشم‌چرانی و بدحجابی - علاوه بر همه این‌ها - چه آثار و پیامدهای اجتماعی و حتی اقتصادی را به دنبال دارد؟!

استاد شهید مطهری رحمته‌الله در این مورد می‌فرماید:

«کشیدن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می‌کند. برعکس آنچه که مخالفین

۱ - یادم هست روزی در مسجد اعظم قم از حضرت آیت الله امینی حفظه الله که در مسائل تربیتی متخصص هستند، سؤال کردم که چرا برخی افراد بعد از ازدواج پر روتر می‌شوند و راحت‌تر و بیشتر به نامحرم نگاه می‌کنند؟ در پاسخ فرمودند: چون می‌خواهند ببینند آنچه که زن خودشان دارد، دیگر زن‌ها هم دارند یا نه، و می‌خواهند بدانند که زن آن‌ها نسبت به زن‌های دیگر تا چه اندازه از زیبایی و دیگر زینت‌ها بهره‌مند است. و همین باعث می‌شود که درباره زن‌های دیگر بیشتر نگاه کنند و در آن‌ها دقیق شوند.

حجاب خرده‌گیری کرده‌اند و گفته‌اند: حجاب موجب فلج کردن نیروی نیمی از افراد اجتماع است، بی‌حجابی و ترویج روابط آزادجنسی موجب فلج کردن (تمامی) نیروی اجتماع است.

آیا اگر زن ساده و سنگین بدنبال کار خود برود برای اجتماع بهتر است یا آن‌که برای یک بیرون رفتن، چند ساعت پای میز توالت وقت خود را تلف کند و زمانی هم که بیرون رفت سعیش این باشد که افکار مردان را متوجه خود سازد و جوانان را که باید مظهر اراده و فعالیت و تصمیم اجتماع باشند به موجوداتی هوسباز و چشم‌چران و بی‌اراده تبدیل کند. عجباً! به بهانه این‌که حجاب نیمی از افراد اجتماع را فلج کرده است؛ با بی‌حجابی و بی‌بند و باری تمام افراد زن و مرد را فلج کرده‌اند.»^۱

رحمت الهی ارزانی آن روح منور باد.

آب از سر هیچ کس نگذشته!

به هر حال متأهل‌ها هم - جوان و غیر جوانشان - بدانند که علاوه بر این‌که نگاهشان حرام است و گناه و عقاب دارد، در زندگی آن‌ها هم به خوبی اثر می‌گذارد و فکر و دل آن‌ها را به خود مشغول می‌سازد و آرامش و آسایش آن‌ها را بر هم زده، از کار و زندگی می‌اندازد. زمانی که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید: آب از سر من نگذشته و در صحبت با زنان احتیاط می‌کنم و از سلام کردن به زنان جوان استنکاف می‌ورزم، آیا

۱ - پوشش زن در گستره تاریخ، ص ۸۳ و ۸۴.

ما می‌توانیم چنین ادعایی بکنیم^۱ و نسبت به دستورات شرع، تکبر و غرور بورزیم.

امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) روشش این بود که به زن‌ها سلام می‌کرد، ولی خوش نداشت که به زن‌های جوان سلام کند، و می‌فرمود: ترس آن دارم صدایشان مرا خوش آید، و از این راه آلوده به گناهی شوم که (زیان آن بر روحم) بیش از پاداشی باشد که از سلام طالبیم؟!^۲

زنان دیگر هم مثل زن شما هستند

در «نهج البلاغه» نقل است که حضرت امیر (علیه السلام) در میان اصحاب خود نشست و بودند که زن زیبایی از کنارشان عبور کرد و یارانش چشم به او دوختند، حضرت رشته اصلی سخن را قطع کردند و فرمودند:

إِنَّ ابْصَارَ هَذِهِ الْفُحُولِ طَوَامِحُ وَإِنَّ ذَلِكَ سَبَبُ هَبَابِهَا، فَاذَا نَظَرَ أَحَدُكُمْ إِلَى امْرَأَةٍ تُعْجِبُهُ فَلْيَلَا مَسَّ أَهْلِهِ فَإِنَّمَا هِيَ امْرَأَةٌ كَأَمْرَأَتِهِ.^۳
چشمان این نرینگان آزمندانه می‌نگرد و این گونه نگریستن سبب هیجان شهوت و تحریک آنان می‌شود. پس هر گاه یکی از شما به زنی نگاه کرد و نظر او را جلب کرد،

۱ - حجت الاسلام قرائتی در سخنرانی خود می‌فرمود: در اداره‌ای منشی رئیس اداره، دختری جوان و آرایش کرده بود. وقتی به رئیس اداره اعتراض کردم، گفت آب از سر من گذشته، من پنجاه سال دارم و نوهام هم به دنیا آمده، در پاسخش گفتم: امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید آب از سر من نگذشته و به دختران جوان سلام نمی‌کنم آیا شما می‌توانید چنین ادعائی بکنید؟! هیچ کس تا لحظه مرگ نمی‌تواند ادعا کند آب از سر من گذشته و شیطان نمی‌تواند مرا گول بزند.

۲ - بحارالانوار، کتاب العقود و الاقاعات، ج ۱۰۴، ص ۳۷، حدیث ۲۶. كَانَ يُكْرَهُ أَنْ يُسَلَّمَ عَلَى الشَّابَّةِ مِنْهُمْ وَ قَالَ: اتَّخَوْفُ أَنْ يُعْجِبَنِي صَوْتُهَا فَيَدْخُلَ مِنَ الْإِثْمِ عَلَى أَكْثَرِ مِمَّا أُطْلَبُ مِنَ الْأَجْرِ.
۳ - نهج البلاغه صبحی صالح، حکمت ۴۲۰.

باید با اهل خود همبستر شود چرا که آن زن هم مانند زن خود اوست.

آری! شیطان دائماً به حرام دعوت می‌کند و حرام را برای انسان جلوه می‌دهد، زنان دیگر هم مثل زن تو هستند هیچ فرقی با هم ندارند، حورالعین هم نیستند، اما زن تو حلال است و آن‌ها حرام. پس چرا فریب شیطان را می‌خوری و بیهوده حسرت و اندوه خود را می‌افزایی و با چشم چرانی و گناه، خود را به فلاکت و بدبختی می‌افکنی؟!

مگر نمی‌دانی که حضرت علی (علیه السلام) فرموده اند: هر کس عنان چشم خود را رها کند حسرت و اندوهش بسیار شود. (مَنْ أَطْلَقَ طَرْفَهُ كَثُرَ أَصْفُهُ)^۱

به روزگار کسان هیچ غم مخور زنهار
بسا کسان که به روز تو آرزومندند
و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در این مورد فرمودند:

ای مردم! بدانید که نگاه (به نامحرم) از شیطان است، پس هر کس بر اثر نگاه تحریک شد نزد همسر خودش برود.^۲ (چرا که هر چه در نامحرم دیده است نظیر آن، در همسر خود اوست و زن‌ها هیچ فرقی با هم ندارند)

شهوت تمام شدنی نیست

وسوسه‌های نفس و خواهش‌های شهوانی انسان تمام شدنی نیست؛ این‌طور نیست که با اجابت دعوت نفس، میل و خواهش آن تمام شود و انسان را رها کند، بلکه

۱ - میزان الحکمة، حدیث ۲۰۲۵۲.

۲ - وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۰۵، حدیث ۲۵۱۵۳. یا ایها الناس! إِنَّمَا النَّظَرُ مِنَ الشَّيْطَانِ، فَمَنْ وَجَدَ مِنْ ذَلِكَ شَيْئاً فَلْيَأْتِ أَهْلَهُ

اجابت دعوت نفس، خواهش آن را زیادت‌تر می‌کند؛ مثل آتشی که هر چه در آن چوب بیندازی، شعله‌ورتر می‌گردد و چوب و هیزم بیشتری را می‌طلبد، اگر بخواهید این آتش را ارضاء کنی، همه چوب‌های دنیا را هم به آن بدهی باز خاموش نمی‌شود و از میل و خواهشش کاسته نمی‌گردد. نفس انسان هم مثل همین آتش است که اگر بخواهید او را ارضاء کنید هرگز نمی‌توانید.

«مولوی» گفته است:

دوزخ است این نفس و دوزخ اژدهاست

کوبه دریاها نگردهد کم و کاست

هفت دریا را در آشامد هنوز

کم نگردهد سوزش آن حلق سوز^۱

کسی که تابع شهوت و خواهش‌های نفسانی خود می‌شود، هرگز ارضاء نمی‌گردد، چنین کسی اگر با زیباترین زنان عالم هم ازدواج کند باز نگاهش به جایی دیگر است و فکر می‌کند دیگران لذت بیشتری می‌برند و جور دیگری زندگی می‌کنند. سعدی می‌گوید:

مَبَر طاعت نفس شهوت پرست

که هر ساعتش قبله‌ای دیگر است

برای شهوت‌ران، زن‌های یک شهر هم

کم است!!

به این کلام حکیمانه استاد بزرگ اخلاق و عرفان؛ حضرت امام خمینی رحمته الله علیه از کتاب ارزشمند و گرانسنگ

«شرح چهل حدیث» توجه فرمایید که حقیقت مطلب را با کمال و تمام بیان فرموده‌اند:

«... قوه شهویه در انسان طوری است که اگر زن‌های یک شهر، به فرض محال، به دست او بیاید، باز متوجه زن‌های شهر دیگر است. و اگر از یک مملکت نصیبش شد، متوجه مملکت دیگر است و همیشه آن‌چه ندارد می‌خواهد. با این‌که این‌ها که گفته شد فرضی است محال و خیالی است خام، با وجود این، تنور شهوت باز فروزان است و انسان به آرزوی خود نرسیده. و همین‌طور قوه غضب در انسان طوری مخلوق است که اگر مالک الرقاب مطلق یک مملکت شود، متوجه مملکت دیگر می‌شود که آنرا به دست نیاورده، بلکه هر چه به دستش بیاید، در او این قوه زیاده‌تر می‌شود... پس انسان همیشه عاشق چیزی است که ندارد و به دست او نیست.»^۱

نتیجه آن‌که انسان باید در مقابل خواهش‌های نفس خود بایستد و آنرا کنترل کند و الا همیشه در عذاب است...

تقوا در مسائل شهوانی فرار کردن است!

نیروی شهوت چنان جاذبه و قدرتی دارد که رعایت تقوا در آن، با رعایت تقوا در موضوعات دیگر فرق دارد. خطر شهوت به حدی است که نمی‌توان برای حفظ از گناه، تنها بر ایمان خود تکیه کرد و پا به میدانی گذاشت که در آن مسائل شهوانی و گناه آلود عرضه می‌شود. در مسأله شهوت تکیه

۱ - شرح چهل حدیث، امام خمینی، ص ۱۹، شرح حدیث اول.

بر تقوای درونی بدون رعایت برخی حریم ها به طور کامل کارساز نیست. نمی توان با نامحرم خلوت کرد، دسترسی به ماهواره و سایت های مبتذل و ... داشت؛ و بعد توجیه کرد که ما گناه نمی کنیم!

استاد شهید مطهری رحمته الله می گوید: «تقوا ضامن و وثیقه بسیاری از گناهان شناخته شده؛ ولی نسبت به بعضی دیگر از گناهان که تأثیر و جاذبه قوی تری دارد دستور حریم گرفتن داده شده.

مثلاً در مقررات دینی گفته نشده که خلوت کردن با وسیله دزدی یا شراب خواری یا قتل نفس، حرام است... ولی در مسأله جنسیت به حکم تأثیر قوی و تحریک شدیدی که این غریزه در وجود انسان دارد، این ضمانت از تقوا برداشته شده و دستور داده شده که خلوت با وسیله بی عفتی ممنوع است زیرا این خطر، خطری است که می تواند احياناً در این حصار، هر اندازه منیع و مستحکم باشد نفوذ کند و این حصار را فتح نماید. حافظ در یکی از غزل های معروفش بیتی دارد که من هر وقت به آن می رسم همین مطلبی که گفتم در نظرم مجسم می شود:

قوت بازوی پرهیز به خوبان مفروش

که در این خیل حصاری به سواری گیرند.^۱

**اگر ناموس خود را دوست دارید، نسبت به
ناموس مردم عفت بورزید**

یکی از سنت های الهی این است که برخی از اعمال

انسان در همین دنیا نتیجه می‌دهد و انسان عقوبت گناه و پاداش عمل نیک خود را در همین جهان می‌بیند، از این روست که گفته‌اند «جهان دار مکافات است» و دنیا مثل کوهی است که هر چه در آن انجام دهی مثل صدایی که به کوه می‌خورد و به صاحبش بر می‌گردد، اعمال ما هم به کوه دنیا می‌خورد و نتیجه‌اش به خود ما بر می‌گردد. «مولوی» می‌گوید:

این جهان کوه است و فعل ما ندا

سوی ما آید نداها را صدا

نگاه به نامحرم هم همین‌طور است؛ لطفاً به این حدیث عجیب از پیامبر اکرم ﷺ توجه فرمایید:

به والدینتان نیکی کنید تا فرزندان‌تان به شما نیکی کنند، و نسبت به زنان مردم عفت بورزید، تا نسبت به زنان شما عفت ورزیده شود. (بروا آباءکم یرکم أبناؤکم و عفا عن نساء الناس یعف عن نسائکم).^۱

می‌بینید که در این حدیث، با صراحت تمام تذکر داده شده که محفوظ ماندن ناموس شما از چشم‌چرانی و دسترسی دیگران، مربوط به آن است که شما هم درباره ناموس دیگران عفت بورزید و نگاه خائنانه به آن‌ها نکنید. خوب گفته است این شاعر که:

هر که باشد نگهش در پی ناموس کسان

پی ناموس او افتد نظر بوالهوسان

برادر عزیز! اگر در کوچه خلوت با دو چشمت به ناموس مردم نگاه کردی بدان که خودت دو چشم دیگر را

۱ - الحكم الزاهرة، ص ۴۴۸، حدیث ۱۲۱۹.

و اداشتی تا به خواهر و مادر یا همسرت نگاه خائانه کنند، این رسم روزگار است که «هر چه کنی به خود کنی»
امام صادق (علیه السلام) هم فرمودند:

کسانی که پشت سر زنان مردم نگاه می کنند، ایمن نیستند از این که دیگران هم به پشت سر ناموس خودشان نگاه کنند. (مَا يَأْمَنُ الَّذِينَ يَنْظُرُونَ فِي أَدْبَارِ النِّسَاءِ أَنْ يَنْظُرَ بِذَلِكَ فِي نِسَائِهِمْ).^۱
به احتیاط گذر، از شکارگاه جهان
گمان مبر که تو را از کمین نمی بینند

یک داستان حیرت آور!

در منتخب التواریخ آمده است که: در یکی از شهرهای سرزمین بخارا، زرگری ثروتمند زندگی می کرد، مردی به عنوان نوکر استخدام کرده بود تا سقا و آب آور خانه او باشد، آن مرد سقا سی سال در خانه او بود و برای اهل خانه آب می آورد، و در این مدت سی سال هرگز با چشم بد به ناموس زرگر نگاه نکرد، و کاملاً عفت و پاکی خود را حفظ نمود. ولی روزی، چشم مرد سقا، به دستبند همسر زرگر افتاد ناگاه دست زن را گرفت و از روی شهوت فشار داد! پس از این حادثه، مرد سقا از خانه بیرون رفت. زرگر به خانه آمد، همسرش به او گفت: راستش را بگو بدانم تو امروز در بازار چه کرده ای؟ زرگر گفت: هیچ کاری نکرده ام. زن اصرار کرد، زرگر گفت: امروز زنی دست خود را گشود تا دستبند طلا را به دست خود کند، من از روی شهوت دست او را گرفتم...!!

۱ - وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۹۹، حدیث ۲۵۴۲۱، چند حدیث دیگر هم در همین مضمون آمده است.

همسر او گفت: الله اکبر! زرگر گفت چرا تکبیر گفتی؟
همسر، جریان آن مرد سقا را که (پس از ۳۰ سال) بی‌عفتی
کرد، برای شوهرش تعریف کرد. زرگر دریافت که به مکافات
عملش دست یافته است.

نظیر این حادثه در زمان حضرت داود علیه السلام اتفاق افتاد، خداوند
متعال به داود علیه السلام خطاب کرد، به آن گنهکار چشم‌چران بگو:
کَمَا تُدِينُ تُدَانُ؛ همانگونه که با دیگران عمل می‌کنی، با خودت
عمل می‌شود.^۱

هر بد که به خود نمی‌پسندی

با کس مکن ای برادر من

گر مادر خویش دوست داری

دشنام مده به مادر من^۲

زن‌ها هم چشم‌چرانی نکنند!

حفظ نگاه و خودداری از نظر کردن به نامحرمان تنها
وظیفه مردان نیست بلکه زنان هم باید نگاه خود را از
نامحرم بپوشند و از چشم‌چرانی و نظر پراکنی بپرهیزند.
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

خشم و غضب خداوند عزوجل سخت است؛ بر زن شوهر
داری که چشم خود را از غیر شوهر خود یا از کسی که محرم
او نیست پر کند، و اگر چنین کند خداوند همه اعمال خیرش
را باطل می‌کند و اگر با نامحرم رابطه نامشروع برقرار نماید،

۱ - منتخب التواریخ، ص ۸۱۳، نقل از حکایتهای شنیدنی، ص ۳۲۱

۲ - کلیات سعدی، ص ۹۴۹.

خداوند هم در قبر و هم در آتش جهنم او را عذاب می کند.^۱
قرآن نیز هیچ فرقی در مسأله نگاه، میان زن و مرد قائل نیست و تنها به مردان نمی گوید که چشم خود را از نگاه به نامحرم بپوشند؛ بلکه خطاب به بانوان هم می فرماید:
وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ....^۲ به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرم) بپوشند....

از آن گذشته احادیث زیادی داریم که به مردان و زنان چشم چران وعده عذاب و عقاب داده است و این احادیث فقط مخصوص مردان نیست بلکه زنان هم اگر خود را حفظ نکنند، این عذاب شامل حالشان می گردد. و ائمه اطهار (علیهم السلام) نسبت به نگاه زنان به مردان اجنبی نیز حساسیت به خرج داده اند.

«ام سلمه» می گوید: در کنار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بودم و همسرش میمونه نیز با ما نشسته بود که «ابن ام مکتوم» وارد شد و این جریان پس از نزول حکم حجاب بود، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به ما فرمودند: به اتاق دیگر بروید، عرض کردیم: او نایبنا است و ما را نمی بیند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: اگر او شما را نمی بیند، شما که او را می بینید؟!^۳

یک سؤال و پاسخ کوتاه

اما این که چرا بیشتر روی نگاه مردان تأکید شده و اکثراً از مردان خواسته می شود که نگاه خود را حفظ کنند و

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳۲، ح ۲۵۵۰۹. اَشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَى امْرَأَةٍ ذَاتِ بَعْلٍ مَلَأَتْ عَيْنَهَا مِنْ غَيْرِ زَوْجِهَا أَوْ غَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا فَإِنَّهَا إِنِ افْعَلَتْ ذَلِكَ أَحْبَطَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ كُلَّ عَمَلٍ عَمَلْتَهُ، فَإِنْ أَوْطَأَتْ فَرَّاشَ غَيْرِهِ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَحْرِقَهَا بِالنَّارِ بَعْدَ أَنْ يَعْذِبَهَا فِي قَبْرِهَا

۲- سوره نور، آیه ۳۱.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳۲، ح ۲۵۵۱۱

چشم خود را از دیدن نامحرم بپوشانند، و در روایات اسلامی بیشتر نگاه مرد نامحرم به زن نامحرم مطرح شده؛ (گرچه قرآن کریم به هر دو گروه زن و مرد دستور چشم‌پوشی داده است) علتش آن است که کشش از طرف زن بیشتر است تا از طرف مرد، و زن فطرتاً آن قدر جاذبه و کشش دارد که مرد هر لحظه ممکن است سقوط کند و قدرت ایمانش در برابر این جاذبه تاب نیاورد و کارایی نداشته باشد.

عواقب چشم‌چرانی و شوخی با نامحرم

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

کسی که دیده خود را از نگاه به نامحرم سیراب سازد خداوند متعال در روز قیامت چشمان او را به وسیله میخ‌های آتشین پر می‌کند و چون حسابرسی مردم پایان پذیرد او را در جهنم می‌اندازند. (مَنْ مَلَأَ عَيْنَيْهِ مِنْ امْرَأَةٍ حَرَامًا حَسَا هُمَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِمَسَامِيرٍ مِنْ نَارٍ وَحَاشَهُمَا نَارًا حَتَّى يَقْضَى بَيْنَ النَّاسِ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِي إِلَى النَّارِ)^۱

و در حدیثی دیگر فرمودند:

هر کس با زن نامحرمی دست بدهد، روز قیامت با غل و زنجیر وارد محشر می‌شود و دستور می‌رسد که او را وارد آتش کنند و هر کس با زن نامحرمی شوخی کند خداوند متعال برای هر کلمه‌ای هزار سال او را (در جهنم) حبس می‌کند. (وَمَنْ فَاهَا امْرَأَةً لَا يَمْلِكُهَا حَبْسَهُ اللَّهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ كَلَّمَهَا فِي الدُّنْيَا أَلْفَ عَامٍ)^۲

و در کلامی دیگر عذاب دردناک چشم‌چرانان را متذکر

۱ - عقاب الاعمال، شیخ صدوق، ص ۶۱۴.

۲ - همان، ص ۱۹۸، حدیث ۲۵۴۱۸، همچنین عقاب الاعمال ص ۶۰۶.

می‌شوند و می‌فرمایند:

هر که چشم خود را از حرام پر کند، خداوند در روز قیامت چشم او را از آتش پر می‌کند، مگر این که توبه کند و از عمل خود دست بردارد.^۱

در مکان‌های مقدس بیشتر احتیاط کنید!

امام صادق علیه السلام فرمودند: به هنگام طواف در خانه کعبه، زنی دستش را روی حجرالاسود گذاشته بود، مردی بر اثر وسوسه شیطان دستش را روی دست این زن قرار داد، که ناگهان (بر اثر بزرگی این گناه و حرمت شکنی خانه خدا) عذاب خدا نازل شد و دست مرد به دست زن چسبید و از هم جدا نشد. امان از غضب خدا و امان از آبروریزی و پرده‌دری!

مردم جمع شدند و تنها راه را در قطع کردن دست مرد تشخیص دادند. در این هنگام امام سجاد علیه السلام وارد مسجد الحرام شد، مردم نزد او رفتند و جریان را گفتند، امام علیه السلام با رحمت بی‌انتهایش (همین عذاب را برای مرد کافی دانست و) دست خود را بر دست مرد نهاد و دعا کرد تا دست‌ها از هم جدا شدند؛ (فوضع یده علیها فانحلا و تفرقا)^۲

پس باید در مکان‌های شریفی مثل حرم امامان، مساجد و دیگر اماکن مقدس احتیاط بیشتری کرد و زن و مرد مسلمان، در این اماکن مقدس، باید عفت و حیای بیشتری به خرج بدهند چرا که ممکن است بر اثر حرمت‌شکنی عذاب خدا نازل شود و آبروی انسان ریخته شود.

۱ - وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۹۶، حدیث ۲۵۴۱۲.

۲ - المحجة البيضاء، ج ۴، ص ۲۰۴.

خنده فرشتگان و عذاب بی حجاب‌ها

روزی رسول خدا ﷺ از جبرئیل امین علیه السلام سؤال کرد که آیا فرشتگان خنده و گریه دارند؟ (هل تضحک الملائكة و تبکی؟) جبرئیل پاسخ داد: بله، در سه جا فرشتگان می‌خندند و در سه جا گریه می‌کنند...

یکی از جاهایی که فرشتگان می‌خندند زمانی است که زن بی حجاب یا بدحجاب می‌میرد، و بستگانش او را در قبر می‌گذارند و روی آن زن را با خشت و خاک می‌پوشانند تا بدنش دیده نشود. (و یا صدا می‌زنند محارم زن بیابند بدنش را در قبر بگذارند!) در اینجا فرشتگان می‌خندند و می‌گویند: هنگامی که جوان بود و با دیدنش مردم را تحریک می‌کرد و به گناه می‌انداخت (اطرافیان‌ش غیرت نورزیدند و) او را نپوشانند، ولی اکنون که مرده و همه از دیدنش نفرت دارند، او را می‌پوشانند؛ و الان صَارَتْ مُنْفَرَةً فَسَجَّيْتُمُوهَا.^۱

و در حدیث معراج آمده است که وقتی پیامبر اکرم ﷺ عذاب‌های زنان امت خود را برای دخترش فاطمه زهرا علیها السلام بیان می‌کردند، از جمله فرمودند: زنی را دیدم که او را به موهایش آویزان کرده بودند، و مغز سرش می‌جوشید و آن زنی بود که موهایش را از مردان نامحرم نمی‌پوشانید و در حفظ حجابش سستی می‌ورزید (اما المعلقة بشعرها فانها كانت لا تغطي شعرها من الرجال)

و زنی را دیدم که گوشت بدن خود را می‌کند و می‌خورد و آن زنی بود که برای مردم زینت و آرایش می‌کرد. و گوشت بدن زنی را با قیچی می‌چیدند؛ که آن زنی بود که خود را بر مردان نامحرم

عرضه می کرد.^۱

آری، بی‌مبالاتی و سستی ورزیدن در رعایت حجاب - که حق الهی است - گناه بزرگی به شمار می‌آید و عقوبت‌های سختی را به دنبال دارد و بسیاری از زنان از این ناحیه گرفتار می‌شوند.

همان‌طور که چشم چرانی و نگاه به زنان نامحرم، برای مردان مسلمان گناه بزرگی به شمار می‌آید و عقوبت‌های سنگینی را به دنبال دارد تا جایی که پیامبر اکرم (ﷺ) نگاه ناروا به زن نامحرم را زناى چشم دانستند و فرمودند: زناى چشمان نگاه نارواست. (زَنَا الْعَيْنَيْنِ النَّظَرُ)^۲

اگر حجاب نخواستہ باشیم (پرسش و پاسخ)

برخی می‌گویند ما دستور حجاب را نمی‌پذیریم و نمی‌خواهیم آن را رعایت کنیم. خانواده و شوهر و بستگان ما نیز به نداشتن حجاب رضایت می‌دهند، آیا یک زن مسلمان می‌تواند با این انگیزه، حجاب را کنار بگذارد؟! و آیا اگر - به عنوان مثال - شوهر وی بگوید بدون حجاب یا بدون چادر و شلوار یا با لباسی که همه بدن را کاملاً نمی‌پوشاند، وارد اجتماع شو، باید حرف او را بپذیرید و در حفظ حجاب بی‌مبالات شود!؟

حضرت آیت‌الله جوادی آملی در پاسخ این سؤال می‌فرماید: «زن باید کاملاً درک کند که حجاب تنها مربوط به خود او

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۱۳، ح ۲۵۴۵۷ و بحار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۶، حدیث ۲۴
۲- نهج الفصاحه، ص ۵۱۱، حدیث ۱۷۰۴ همچنین وسائل الشیعه، ح ۲۵۳۹۶

نیست تا بگوید من از حق خودم صرف نظر کردم، حجاب زن مربوط به مرد (هم) نیست تا مرد بگوید من راضیم (که بد حجاب باشی)، حجاب زن مربوط به خانواده نیست تا اعضای خانواده رضایت بدهند، حجاب زن، حقی الهی است، لذا می بینید در جهان غرب و در کشورهایی که به قانون غربی مبتلا هستند، اگر زن شوهر داری آلوده شد و همسرش رضایت داد، قوانین آن هاپرونده را مختومه اعلام می کنند، اما در اسلام اینچنین نیست (بلکه این زن باید حد بخورد، اگر چه شوهرش به آلوده بودن او رضایت بدهد) حرمت زن نه اختصاص به خود زن دارد و نه شوهر و نه ویژه برادر و فرزندان می باشد، همه اینها اگر رضایت بدهند قرآن راضی نخواهد بود، چون حرمت زن و حیثیت زن به عنوان حق الله مطرح است... لذا کسی حق ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دادم.... عصمت زن، حق الله است و به هیچ کسی ارتباط ندارد).^۱

بی غیرت هرگز به بهشت نمی رود

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

سه گروه از انسان ها هرگز به بهشت نمی روند؛ (ثَلَاثَةٌ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَبَدًا)

اول: مردان بی غیرت (الدَّيُّوث)

دوم: زنان مردنما (و الرِّجْلَةُ مِنَ النِّسَاءِ)

سوم: معتادان به شراب (و مُدِّمُ الْخَمْرِ)^۲

«دَيُّوث» به کسی گفته می شود که نسبت به عفت و

۱ - زن در آینه جلال و جمال، ص ۴۳۷.

۲ - نهج الفصاحة، تک جلدی، ص ۴۰۴، حدیث ۱۲۲۷.

حجاب ناموشش (زن و دختر و خواهر و...) بی تفاوت است و از این که مردان نامحرم ناموشش را ببینند و به او بنگرند باکی ندارد و غیرتی نمی‌ورزد.

در کلامی دیگر از رسول خدا ﷺ آمده است که:

«هر مردی که همسرش، با آرایش کامل از منزل بیرون آید، آن مرد دیوث می‌باشد، و اگر کسی چنین مردان بی تفاوت در مقابل همسر (و خواهر و دختر و...) را دیوث بنامد گناهی نکرده است (ولا یَاْثِمُ مَنْ یُسَمِّیْهِ دِیْوثًا) و نیز زنی که خود را آراسته و خوشبو نماید و از خانه‌اش خارج شود و شوهرش به این کار راضی باشد برای هر قدمی که این زن بر می‌دارد، برای همسرش خانه‌ای در جهنم بنا می‌شود؛ یَبْنِیْ لِزَوْجِهَا بَکْلًا قدم بیت فی النار»^۱

و مردی که چشم‌چرانی می‌کند و از نگاه کردن و چشم دوختن به ناموس مردم ابایی ندارد، او هم بی غیرت است؛ چرا که با این جسارت و بی‌حیایی، زمینه نگاه کردن مردان دیگر را به ناموس خودش فراهم می‌سازد.

از رسول خدا ﷺ روایت است که: پدرم ابراهیم بسیار با غیرت بود و من از او با غیرت تر هستم؛ خداوند بینی هر مؤمنی که غیرت ندارد را بر خاک بمالد. (کان ابراهیم اُبی غیوراً و انا اُغیرُ منه و ارغم الله أنف من لا یغار من المؤمنین)^۲

غیرت حیرت آور علی (علیه السلام)

«یحیی مازنی می‌گوید: من مدت زیادی همسایه حضرت علی (علیه السلام) بودم و منزل ما نزدیک خانه‌ای بود که حضرت زینب

۱ - بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۹، حدیث ۳۸.

۲ - بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۸، ح ۳۳.

ﷺ در آن ساکن بود. به خدا قسم در این مدت نه من زینب را (بیرون) دیدم، و نه صدایش را (از داخل خانه) شنیدم (فلا والله ما رأيت لها شخصاً ولا سمعت لها صوتاً) و هر وقت می‌خواست به زیارت قبر شریف جدش رسول خدا ﷺ مشرف شود شبانه از منزل خارج می‌شد، در حالی که امام حسن ﷺ در طرف راست او و امام حسین ﷺ در طرف چپش و امیرالمؤمنین ﷺ در جلو او حرکت می‌کردند. و هنگامی که حضرت زینب ﷺ به قبر شریف رسول خدا ﷺ نزدیک می‌شد، حضرت امیر ﷺ جلوتر می‌رفت و نور چراغی را که بالای سر پیامبر ﷺ بود کمتر می‌نمود.

یک مرتبه امام حسن ﷺ علت این کار را از آن حضرت سؤال نمود، حضرت علی ﷺ در پاسخ فرمود: می‌ترسم مرد نامحرمی به خواهرت زینب نگاه کند و چشمش به اندام او بیفتد؛ «أَخْشَى أَنْ يَنْظُرَ أَحَدٌ إِلَى شَخْصِ أَخْتِكَ زَيْنَبَ»^۱

عصر «جاهلیت» تکرار می‌شود!

وقتی خداوند متعال فرمان حجاب و عفت عمومی برای زنان صادر می‌کند، در قسمتی از آن می‌فرماید:

در خانه‌هایتان بمانید و همچون زمان «جاهلیت نخستین» به تبرج و ظاهر شدن در بین مردان نپردازید! (وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى)^۲

در این آیه شریفه، جاهلیت تقیید به «اولی» شده است، این موضوع ممکن است حکایت از ظهور جاهلیت دومی بعد

۱ - حیات زینب الکبریٰ ﷺ، علامه نقدی، ص ۲۲ به نقل از زینب کبری، محمدی اشتهازدی، ص ۹۹.

۲ - سوره احزاب، آیه ۳۳.

از اسلام داشته باشد که قرآن کریم با آینده‌نگری مخصوص خود آن را بیان فرموده است.

چنانکه امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه فرمودند: در آینده نه چندان دور، جاهلیت دیگری تحقق خواهد یافت. (أَيَّ سَتَكُونُ جاهلیةً أُخری).^۱

آری در قرن بیستم و در عصر تصرف فضا، و در میان این بشریت مغرور به علم و صنعت و پیشرفت، جاهلیتی نو ظهور کرده و بشر در این مسیر، عقب گردی شرم‌آور داشته است.

همانطور که در زمان جاهلیت اعراب، فساد و ابتذال رواج داشت امروز هم فساد و فحشاء در سطح جهان و در میان مردم تحصیل کرده و با فرهنگ!! چنان لشکر مغول بیداد می‌کند؛

در انگلستان کلپ برهنگان تشکیل می‌شود که افراد، در آن برهنه مادرزاد می‌شوند. در جاهلیت نو برای انجام زشت‌ترین فسادها و کریه‌ترین فحشاها، قانون تصویب می‌شود آن هم توسط مدعیان فرهنگ و علم و تمدن!! و فساد و ابتذال سردمداران و روسای این فرهنگ شرم‌آور، در مطبوعات و مجلات به چاپ می‌رسد. در جاهلیت عرب، زنان آلوده پرچم بر سر در خانه خود می‌زدند و در جاهلیت قرن ما، از طریق روزنامه‌های مخصوص حرف‌هایی زده می‌شود که جاهلیت عرب بر آن صد شرف دارد.

و ممکن است این جاهلیت برای مسلمانان هم باشد، یعنی زنان مسلمان آخرالزمان، بار دیگر عقب‌گرد می‌کنند و

۱ - تفسیر «نور الثقلین»، ج ۴، ص ۲۶۹، حدیث ۷۹.

مانند دوران جاهلیت به جلوه‌گری و خودنمایی می‌پردازند، از خانه بیرون می‌آیند، از حدود الهی تجاوز کرده و چونان مردان رفت و آمد می‌کنند ... و مردانشان غیرتی از خود نشان نمی‌دهند و نسبت به این امور بی‌تفاوت و بی‌موالات می‌گردند.

آری ممکن است همه این‌ها جاهلیت نو باشد و ممکن است ما هم وارد این عقب‌گرد شوم شده باشیم! خوب است کمی تأمل کنیم! و اندکی در این مورد بیندیشیم.

راه درمان چیست؟

راستی راه درمان این همه فساد و ابتذال و ناهنجاری و ولنگاری که در اجتماع ما مشاهده می‌شود، چیست؟! چه باید کرد تا این بی‌مبالاتی‌ها و بد حجابی‌ها، و چشم چرانی‌ها و مزاحمت‌ها کنترل شود و جامعه ما از هم فرو نیاشد؟!

برخی وضع موجود را به حکومت نسبت می‌دهند، و برخی به اوضاع جهان، و برخی دیگر وضعیت موجود را امری طبیعی در عصر پیشرفت ارتباطات می‌دانند و درمان آن را غیر ممکن قلمداد می‌کنند.

هر کسی آرد به قول خود دلیل از گفته‌ای

در میان بحث و نزاع و شورش و غوغاستی
ما باز هم به چند نمونه از مدارک اسلامی اشاره کرده و سعی می‌کنیم پاسخ این سؤال را از لابلای آن‌ها بدست آوریم:

از میان بردن زمینه‌های فساد

از پیامبر گرامی اسلام؛ حضرت محمد بن عبدالله ﷺ نقل شده که فرموده‌اند:

بین مردان و زنان (نامحرم) فاصله و جدایی بیندازید (تا کمتر با یکدیگر برخورد داشته باشند) زیرا هنگامی که مردان و زنان با هم تماس داشته باشند و رو در روی یکدیگر قرار گیرند، جامعه به دردی مبتلا خواهد شد که درمان نخواهد داشت. (باعدوا بین أنفاس الرجال و النساء فإنه إذا كانت المعاينة و اللقاء كان الداء الذي لا دواء له).^۱

خوب دقیق شوید و ببینید که پیامبر اکرم و اعظم اسلام ﷺ راه درمان ولنگاری و بی‌حیایی را در دور کردن زنان و مردان از هم می‌داند، یعنی باید برخورد و ملاقات این دو قشر با هم کم شود، نه آن‌که با هم رفت و آمد داشته باشند و در کنار هم بنشینند و مظاهر فساد و تحریک شهوت را ببینند و زمینه گناه و ابتذال فراهم باشد، و بعد بگوییم با هم ارتباط نداشته باشید و چشم‌چرانی نکنید.

وقتی قرار است...

اگر این دو قشر با هم رفت و آمد داشته باشند و در کوچه و خیابان و محل کار و مدرسه و دانشگاه، هر روز و هر لحظه نگاهشان به هم بیفتد، هیچ مشکلی حل نمی‌شود و هیچ دردی دوا نمی‌گردد، و هیچ شخصی و هیچ دولتی و

۱ - كشف الخفاء، ج ۱، ص ۲۷۹، ح ۸۷۵. در تاریخ پیامبر ﷺ نقل است که: اولین اقدام حضرت بعد از هجرت به شهر مدینه، ساختن مسجد بود که با وجود سادگی و مسقف نبودن، راه ورودی زنان و مردان را به مسجد جدا قرار داد که درب ورودی زنان به «باب النساء» مشهور است.

حکومتی نمی‌تواند این وضع آشفته و نابسامان را اصلاح کند و این گرفتاری را برطرف سازد.

وقتی قرار است دختر و پسر در دانشگاه مثل خواهر و برادر در کنار هم بنشینند و خوش و بش راه بیندازند و برای هم کلاس بگذارند....

و وقتی در صدا و سیما این همه روابط زن و مرد نامحرم عادی و طبیعی جلوه داده می‌شود، و زنان و مردان نامحرم با هم شوخی‌های آن‌چنانی می‌کنند، و زن و شوهرهای صوری، با کمال پرروئی و بی‌حیایی، سر بچه‌دار شدن و نشدن، و سقط کردن و نکردن، در مقابل چشمان این همه بیننده، با هم جرّ و بحث به راه می‌اندازند....

و زمانی که زنان و دختران بازیگر با لباس‌های رنگی و آرایش‌های آن‌چنانی در مقابل مردم ظاهر می‌شوند و برای مردان نامحرم ناز و کرشمه می‌آیند....

و هنگامی که دختران و زنان مثل پسران و مردان لباس‌های تنگ و چسبان می‌پوشند و اندام‌های خود را به نمایش می‌گذارند، و با این وضع زننده در اجتماع ظاهر می‌شوند، و زن و شوهرهای جوان در خیابان‌ها دست به دست هم می‌دهند و همدیگر را در کنار می‌گیرند و راه می‌روند.

و هنگامی که در کارخانه‌ها و مطب‌ها و فروشگاه‌ها و اداره‌ها، زنان و دختران جوان، مشاور و معاون و منشی و تلفن‌چی می‌شوند و با هزار رقم آرایش و ناز و کرشمه - و حتی بدون آن هم - با مردان و جوانان روبرو می‌شوند، و زمانی که در اطلاعیه‌های دعوت به کار نوشته می‌شود، «به

چند کارمند زنِ جوانِ زیبایِ مجرد نیازمندیم»!!

و زمانی که در مراسم جشن و عروسی، رقص و موسیقی و میگساری، پذیرایی به حساب می‌آید و فریب خوردگان جاهلیت نو - با کمال پر روئی و بی‌احترامی - عروسی بی‌رقص و موسیقی حرام را مسخره می‌کنند و مجلس روضه و مصیبت قلمداد می‌نمایند، و وقتی برخی آزادی و کرامت انسانی را به ولنگاری و بی‌مبالاتی تفسیر می‌کنند و با این جنایت و خیانت بزرگ، زمینه سقوط و گمراهی، و بی‌حیایی و بی‌عفتی، و عیاشی و بی‌مبالاتی دختران و پسران را فراهم می‌سازند، بس کنیم که: بسکه حرف حق کسی در دهر نتواند شنید گیرد اول در اذان گفتن مؤذن گوش را

وقتی اینطور باشد...

آری! وقتی اینطور باشد، و با کمال دردمندی و دریغ‌خوری تا حدودی این‌گونه است، چه توقعی می‌توان داشت که جامعه اصلاح شود و فساد و ابتذال رخت بربندد و چشم‌چرانی و بی‌حجابی و بی‌عفتی از بین برود؟! باید زمینه این مفاسد از بین برود، و از این امور جلوگیری به عمل آید و کلاس‌های مختلط دانشگاه از هم جدا شود و کنترل و نظارت بیشتری از برنامه‌های صدا و سیما به عمل آید...

وقتی مقام معظم رهبری؛ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) دلسوزانه فریاد می‌زنند که:

«امروز سر و سینه را از زیور آلات پر کردن، و آرایش و مد لباس را بت خود قرار دادن، برای زن انقلابی مسلمان ایرانی ننگ است»

آیا درست است که در صدا و سیما و فیلم‌های مختلف سینما، این همه مُدهای مختلف لباس تبلیغ شود؟! و آیا صحیح است که تا این اندازه آرایش کردن و بد حجاب بودن و سر و صدا و داد و فریاد راه انداختن زنان و دختران برای مردم نمایش داده شود؟! واقعاً! اگر زن‌ها و دخترهای بازیگر این همه آرایش نکنند و کمتر سر و صدا راه بیندازند و حاملگی‌های شش ماه به بالا ترتیب ندهند و ادای زاییدن و درد زایمان داشتن را در نیاورند، طوری می‌شود!!؟

آیا این اعمال منافی با حیاء و عفت، دردی از جامعه ما دوا می‌کند، یا به مشکلات خانواده‌ها دامن می‌زند؟! و جوانان ما را به گناه و ابتذال نزدیک می‌کند؟! کدام؟! شاید بگویند از زمانه عقب هستی، از فیلم و سینما چیزی نمی‌فهمی، راه جذاب کردن و مشتری داشتن فیلم را نمی‌دانی.... اما یک چیز دیگر هم هست و آن این‌که؛ کسی به فکر جوانان مظلومی که در اوج شهوت و فشار قدرت جنسی قرار دارند، و با دیدن این صحنه‌ها تحریک می‌شوند و ممکن است به گناه بیفتند، نیست... .

مسلمانان غیور و آگاه!! و مردم متدین و دلسوز ایران!! بدانید که اگر به دستور رسول خدا ﷺ عمل نشود و زنان و مردان نامحرم از هم دور نشوند و مظاهر فساد و تحریک شهوت در سطح اجتماع از بین نرود، هیچ راه درمانی برای این موضوع باقی نمی‌ماند و هیچ وقت جامعه ما از این گرفتاری نجات پیدا نمی‌کند. و این امر بر هیچ آگاهی پوشیده نبوده و در طول تاریخ جزء مسلمات و مجربات گشته

است. و رسول خدا ﷺ هم چیزی غیر از این نمی فرماید (كَانَ الذَّاءُ الَّذِي لَا دَوَاءَ لَهُ) وَ صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

بیشترین نفع حجاب به زنان می رسد!

یک نکته آن که: هم زنان و دختران در حل این مشکل مسئولیت بزرگی دارند و هم مردان و پسران، و هم پدران و مادران؛ اما وظیفه زنان و دختران - به خاطر شرایط فطری و خلقتی آن ها - به مراتب بیشتر بوده و نفع این چگونگی نیز، به خود آن ها می رسد.

خداوند حکیم در قرآن کریم درباره فلسفه حجاب می فرماید: ذَلِكَ أَذْنِي أَنْ يُعْرِفَنَّ فَلَا يُؤْذِينَ^۱ دستور حجاب برای آن است که زنان مسلمان شناخته نشوند و مورد اذیت واقع نگردند.

علی عليه السلام هم دستور حجاب را بیشتر متوجه خود زنان می داند و می فرماید:

ای پسر! با در پس پرده قرار دادن زنان! دیدگان آن ها را (از دیدار مردان) باز دار، زیرا سخت گیری در امر استتار و پوشش، برای بقاء زنان، بهترین وسیله است؛ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ ابْقَى عَلَيْهِنَّ^۲.

اولین ثمره عفاف؛ آرامش روانی جامعه

استاد شهید مطهری رحمته الله می فرماید: مسئله دیگر این است که اصل مطلب برای چیست؟ چه لزوم و ضرورتی دارد؟ چرا باید مسئله محرم و نامحرم مطرح باشد؟ چرا باید زن خودش

۱ - سوره احزاب، آیه ۵۹.

۲ - نهج البلاغه، نامه ۳۱، خطاب به امام حسن عليه السلام.

را از غیر محارم خود بپوشاند؟ رمز و سرّ این مطلب چیست و چه فایده‌ای دارد؟

اولین خاصیتش خاصیت روانی است، یعنی آرامش روانی. در هر جامعه‌ای که روابط زن و مرد بر اساس عفاف بود- عفاف در همین حدود اسلامی که عرض می‌کنم- یعنی زنان در خارج دایره و کادر ازدواج، خودآرا و خودنما نبودند و وسیله تهییج مردان را فراهم نکردند و مردان هم در خارج از دایره ازدواج دنبال لذت‌جویی و کامجویی به وسیله چشم، دست، لامسه و غیر لامسه نبودند قلب‌ها و روح‌ها آرام و سالم است، و در هر جامعه‌ای که برعکس [این حالت] است اولین ناراحتی اجتماعی، ناراحتی‌های روانی است.^۱

نتیجه‌گیری با یک حدیث شگفت

پس راه درمان این گرفتاری و خلاص شدن از این اوضاع آشفته و نابسامان، آن است که **اولاً**؛ بین زن و مرد نامحرم فاصله و جدایی بیفتد و از برخورد و ارتباط نامحرمان با هم کاسته شود، و **ثانیاً** مظاهر فساد و تحریک شهوت در اجتماع از بین برود. برای روشن شدن این موضوع نیز به یک روایت عجیب توجه فرمایید:

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

امیرالمؤمنین (علیه السلام) روزی در راهی می‌گذشت که مشاهده کرد، حیوان نر و ماده‌ای در وسط جاده با یکدیگر جفت‌گیری می‌کنند. حضرت به سرعت چهره خود را برگرداند. از او سؤال شد، چرا چهره خود را برگردانیدی؟! فرمود: چنین عملی سزاوار

نیست (و باید جلوی آن را گرفت)، جفت‌گیری حیوانات در بین راه و جلوی چشم مردم یک منکر و عمل قبیح است (و باعث تحریک شهوت و انحراف و ابتذال مردم می‌گردد) و باید این عمل در جایی صورت گیرد که مرد و زنی مشاهده نکنند. (و هو من المنکر الا ان تواروه حیث لایراه رجل و لا امرأة).^۱

وقتی نزدیک شدن دو حیوان در کوچه و خیابان، نزد علی (علیه السلام) قبیح و زشت است و از منکرات به حساب می‌آید، آیا برای زن و شوهر جوان قبیح نیست که دست در دست هم بگذارند یا یکدیگر را در کنار بگیرند و در منظر نگاه مردم راه بروند؟!

آیا سزاوار نیست، انسان‌هایی که خود را برتر از حیوان می‌دانند، این امور قبیح را ترک کنند!؟.

آیا این امور زشت و ناپسند، نشانه ذلت و خواری و دور بودن از کرامت انسانی نیست؟ و خیلی «آیاهای» دیگری که عفت قلم اجازه بیان آن‌ها را نمی‌دهد.

از این حدیث به خوبی روشن می‌شود که انسان باید از هر چیزی که باعث تحریک شهوت و هیجان قدرت جنسی می‌شود دوری بجوید و جلوگیری به عمل آورد، حتی گفتن و شنیدن لطیفه‌های زشت و زننده، و خواندن و مطالعه رمان‌ها و کتاب‌ها و مطالب تحریک‌کننده، و دیدن فیلم‌ها و سی‌دی‌های مبتذل و گمراه‌کننده، که فکر و خیال انسان را به انحراف می‌کشاند و وسوسه شیطان و تسلط نفس اماره را در دورن آدمی تقویت می‌سازد.

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۸۱، حدیث ۲، کتاب الحج، أبواب أحكام الدواب.

نظری از روان‌شناسان

روان‌شناسان عوامل متعددی را در کشیده شدن جوانان به انحراف جنسی و بی‌مبالاتی و بی‌عفتی بر می‌شمارند از جمله: نداشتن تحرّک و فعالیت، تنهائی و خلوت، بیکاری، فشارهای روحی و اضطراب روانی، نداشتن محیط گرم و صمیمی در خانواده، معاشرت با افراد فاسد و...

اما در پایان چنین نظر می‌دهند که مهم‌ترین عوامل جلوگیری افراد از لغزش و انحراف، و حفظ اجتماع از فساد و ابتذال در زمینه مسائل جنسی چند چیز است:

۱. کنترل نگاه (از دو طرف)
۲. پرهیز از تخیّل در زمینه مسائل جنسی
۳. تقویت مبانی دینی و تحریک علائق و عواطف مذهبی
۴. وجود فاصله بین زن و مرد (عدم اختلاط)^۱

مقایسه‌ای با تعالیم والای دین

می‌بینید که روان‌شناسان حرف تازه‌ای نزده‌اند و آن‌چه ائمه اطهار (علیهم‌السلام) صدها سال پیش فرموده‌اند، همین‌هایی است که الان روان‌شناسان و جامعه‌شناسان به آن رسیده‌اند. بار دیگر چهار مورد بالا را مطالعه کنید و به احادیث زیر توجه فرمائید:

۱. امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام): فرو بستن چشم‌ها، نیکو بازدارنده‌ای است از خواهش‌ها و شهوت‌های نفسانی^۲

۱ - راهنمای آموزش دینی، بخش نوجوانان و میل جنسی، ص ۴۷.
 ۲ - میزان الحکمه، حدیث ۲۰۲۶۰: نِعَمَ صَارَفَ الشَّهَوَاتِ غَضَ الْأَبْصَارِ

و در کلامی دیگر فرمودند: اگر چشم‌ها از نگاه حفظ شود؛
دامن‌ها آلوده نمی‌گردد. (لیس یزنی فرجُکَ إِنْ غَضَضْتَ طَرْفُکَ)^۱
(کنترل نگاه)

من هر چه دیده‌ام از دل و دیده دیده‌ام

از دل ندیده‌ام، همه از دیده دیده‌ام
۲. امیرالمؤمنین علی علیه السلام : مَنْ كَثَرَ فِكْرُهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ
إِلَيْهَا.^۲؛ کسی که در مورد گناهان زیاد فکر می‌کند، گناهان او
را به سوی خود می‌کشد. (پرهیز از تخیل)

۳. از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیده شد: برای چشم پوشی (از
گناه و غلبه بر شهوت) از چه وسیله‌ای می‌توان کمک گرفت؟
حضرت فرمودند: بِالْخُمُودِ تَحْتَ سُلْطَانِ الْمُطَّلِعِ عَلَى سِتْرِكَ.^۳
یعنی با در نظر گرفتن قدرت خداوندی که بر نهانی‌های تو
آگاه است (یعنی تقویت مبانی دینی و اعتقادی)

۴. فاطمه زهرا علیها السلام : خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ
الرِّجَالَ.^۴

بهترین چیز برای زنان این است که آنان مردان را نبینند و
مردان نیز آنان را نبینند. (وجود فاصله بین زن و مرد)

۱ - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، کلمه ۷۱۵

۲ - غُرر الحکم و دُرر الکلم آمدی، ج ۱، ص ۴۴۵، ح ۳۳۸۳

۳ - میزان الحکمة، حدیث ۲۰۳۰۰

۴ - وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۳۲، ح ۲۵۵۱۱



پند سوم شیطان



پند سوم شیطان

ای موسی! هرگاه خشمگین شدی و غضب کردی، جای خود را عوض کن و هیچ کاری انجام نده که من حضور دارم و فتنه‌ای برپا می‌کنم.

عقل انسان در حالت خشم و غضب ضعیف می‌شود و چون افراد مست، کنترل خود را از دست می‌دهد و در آن حال است که اکثر فتنه‌های بزرگ و آشوب‌های خطرناک رخ می‌دهد و خرابکاری‌ها و فساد انگیزی‌ها اتفاق می‌افتد. لذاست که امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند:

الْغَضَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ؛ خشم و غضب کلید همه بدی‌ها و شرهاست.

بقراط؛ فیلسوف و پزشک بزرگ یونان گفته است: «من نسبت به کشتیی که دچار بادهای و طوفانهای سخت شود و موج‌های دریا آن را متلاطم کند و در لجه‌های آب فرو برد، امیدوارترم تا شخص غضبناک برافروخته، چرا که کشتی را در این حال با لطایف الحیل نجات دهند، اما نفس وقتی آتش غضبش شعله ور گردید، امید حيله برای او نیست، زیرا که هر حيله‌ای به خرج بری - از قبیل مواعظ و نصایح - بر شعله و

مایه آن افزوده می‌شود.^۱

آری شیطان خود هشدار می‌دهد و بر حذر می‌دارد از این‌که انسان در حالت خشم و غضب اقدامی کند و کاری انجام دهد، حتی در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که آن حضرت فرمودند: لیس لابلیس جندٌ اشدّ من النساء و الغضب^۲ سپاه و لشکری برای شیطان بهتر و قویتر از زن (نامحرم) و غضب نیست. مولوی هم به همین دو مورد اشاره کرده است که می‌گوید:

وقت خشم و وقت شهوت مرد کو؟

طالب مردی چنینم کو به کو!

کو در این دو حال مردی در جهان

تا فدای او کنم امروز جان^۳

راه‌های کنترل خشم و غضب

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) در کلامی فرمودند: بدانید که خشم آتشی است که در دل انسان مشتعل می‌شود؛ مگر نمی‌بینید که به هنگام خشم چشم‌های انسان سرخ و رگ‌هایش متورم می‌شود، وقتی یکی از شما چنین شد، روی زمین بنشیند و هیچ کاری انجام ندهد^۴ و در کلامی دیگر فرمودند: هرگاه یکی از شما غضب کرد، با آب سرد وضو بگیرد، چرا که غضب از آتش است؛ إِذَا غَضِبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَتَوَضَّ بِالْمَاءِ الْبَارِدِ فَإِنَّ

۱ - چهل حدیث، امام خمینی، ص ۱۳۴.

۲ - تحف العقول، ص ۳۸۲، حکمت ۶۵.

۳ - مثنوی معنوی، چاپ اقبال، صفحه ۸۶۶.

۴ - نهج الفصاحة، ص ۲۴۳، حدیث ۴۶۶.

الْغَضَبِ مِنَ النَّارِ.^۱

و در سیره رسول خدا ﷺ وارد شده است که آن حضرت وقتی غضب می‌فرمود، اگر ایستاده بود می‌نشست، و اگر نشسته بود به پشت می‌خوابید، تا غضبش ساکن می‌شد.^۲

«ایرج میرزا» هم برای درمان خشم و غضب، صبر و تحمل را پیشنهاد می‌کند و مشغول شدن به شمارش اعداد را راه کاری برای خاموش نمودن آتش غضب می‌داند.

هر وقت که دیدی غضبت رو آورد

از یک تا صد شماره کن ای سره مرد

در ضمن شماره عقلت آید سر جای

دیگر نکنی آنچه نمی‌باید کرد^۳

سکوت کردن و حرف نزدن، و راه رفتن و تغییر حالت دادن هم راه کارهای دیگری است که در احادیث و کلمات بزرگان، برای خاموش کردن آتش غضب پیشنهاد شده است. از جمله در احادیث آمده است که اگر خشم و غضب شما از اقوام و خویشاوندان نزدیک است، برای مسلط شدن بر آن، به دیدار آن‌ها بروید و با آن‌ها برخورد متقابل و فیزیکی - مثل دست دادن و مصافحه کردن - داشته باشید که این رفتار اثر عجیبی در خاموش شدن شعله خشم و غضب دارد و از بسیاری فتنه‌ها و کارهای عجولانه‌ای که عواقب شومی را به دنبال دارد جلوگیری می‌کند. (وَ اَيُّمَا رَجُلٍ غَضَبَ عَلَى ذِي رَحِمٍ فَلْيَدْنِ مِنْهُ فَلْيَمْسُهُ، فَإِنَّ الرَّجِمَ إِذَا مَسَّتْ سَكَتَ).^۴

۱ - المحجة البيضاء، ج ۵، ص ۳۰۷.

۲ - شرح چهل حدیث، امام خمینی، ص ۱۴۱.

۳ - کلیات دیوان ایرج میرزا، ص ۲۰۴.

۴ - المحجة البيضاء، ج ۵ ص ۲۹۲.

و این چگونگی بسیار تجربه شده که گاهی اقوام و خویشاوندان پشت سر هم حرف می‌زنند و از دست هم شکوه و شکایت می‌کنند و خواه ناخواه از دست هم عصبانی و ناراحت می‌شوند و با این کارها آتش غضب و عصبانیت آن‌ها شعله‌ورتر می‌گردد، اما اگر در یک جلسه با هم ملاقات کنند و در حضور هم حرف بزنند تمام مشکلات حل می‌شود و بگو مگوها فیصله می‌یابد.

غضب؛ یکی از درهای جهنم

رسول گرامی اسلام فرمودند: انّ لجهنم باباً لا یدخل منه الا من شفی غیظه بمعصیة الله تعالی.^۱

برای جهنم دربی است؛ مخصوص کسانی که خشم و غضب خود را فرو نمی‌نشانند مگر با معصیت خدای تعالی.
چون ز خشم آتش تو در دل‌ها زدی

مایه نار جهنّم آمدی

آن سخن‌های چو مار و کژدمت

ما رو کژدم گردد و گیرد دُمت^۲

امام صادق (علیه السلام) نیز فرمودند: یاران حضرت عیسی (علیه السلام) به او گفتند: ای معلّم نیکی‌ها! سخت‌ترین چیزها را به ما بیاموز؟! فرمود: شدیدترین چیزها خشم الهی است.
پرسیدند: به چه چیزی می‌توان خود را از خشم الهی نگه داشت؟

عیسی (علیه السلام) فرمود: به این که خشمگین نشوید و بر خشم و

۱ - همان، ص ۳۰۹.

۲ - مثنوی معنوی، چاپ اقبال، ص ۴۹۶ و ص ۴۹۷.

غضب خود مسلط باشید.

باز پرسیدند: سرآغاز خشم و غضب چیست؟
فرمود: سرآغاز آن خود بزرگ بینی و برتری جویی و خوار
شمردن مردم است.^۱

حادثه‌ای عجیب و دردناک

اگر تاریخ را مطالعه کنید می‌بینید که در اثر خشم و
غضب چه جنایاتی انجام شده و چه فجایی رخ داده
است، اما بد نیست به قضیه‌ای که در همین چند سال اخیر
اتفاق افتاده، اشاره کنم تا انشاءالله باعث عبرت همه ما باشد.
اولاً یادمان نرفته است که سال گذشته در اخبار اعلام
شد: پدر دانش‌آموزی در تهران، وقتی نمره پایین فرزندش را
می‌بیند عصبانی می‌شود و در اثر تنبیه بدنی و شدت ضربات
وارد بر کودک، جراحات فرزندش زیاد می‌شود و وقتی او را
به بیمارستان منتقل می‌کنند فوت می‌کند، پدر پشیمان و با
عذاب وجدان، وارد زندان می‌شود و کودک مظلوم بزیر خاک
می‌رود.

اما حادثه تلخی دیگر: مردی پس از ساعت ادرای
خسته و کوفته از محل کارش به منزل بر می‌گردد، بچه
(حدود) چهار ساله‌اش درب خانه را باز می‌کند و پس از سلام
کردن به پدرش می‌گوید: بابا صبح که سر کار بودی مردی
آمد و با مادرم روبوسی کرد! مرد خسته و کوفته با شنیدن این
حرف صورتش برافروخته می‌گردد و آتش غیرت و غضبش
فوران می‌کند، و با حالت عصبانیت و شدت خشم و غضب -

۱ - بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۲۸۷، حدیث ۹.

بدون پرس و جو - به سراغ همسرش در آشپزخانه می‌رود و در بین سر و صدا و بگو و مگو گوشت کوب را بر سر همسرش فرود می‌آورد، وقتی همسرش را به بیمارستان منتقل می‌کنند، بر اثر شدت ضربه جان می‌سپارد، ناگاه دایی بچه و برادر این زن که حدود ۵ سال در خارج از کشور بوده، سر می‌رسد و مشخص می‌شود که آن مرد غریبه‌ای که صبح با این زن روبوسی و مصافحه کرده بود، برادر و محرمش بوده است و این بچه برای اولین بار دایی خود را دیده و او را نشناخته، اما کار از کار گذشته و پشیمانی سودی ندارد.

مرد با عذاب وجدان روانه زندان می‌شود و زن به زیر خاک می‌رود و بچه بی‌سرپرست و یتیم می‌ماند... چرا؟ به خاطر این که به حرف شیطان گوش داده نشد! شیطان خود گفته است که موقع خشم و غضب مرا یاد کنید و از شرّ من به خدا پناه ببرید که فتنه و آشوب برپا می‌کنم.

آری خشم و غضب گاهی انسان را قاتل می‌کند و به طرّفه‌العینی از او یک مجرم و جنایتکار می‌سازد. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

چه چیز سخت‌تر از غضب است، همانا مرد غضب می‌کند پس می‌کشد کسی را که خداوند خون او را حرام کرده و افترا و تهمت می‌زند به زن شوهردار و پاکدامن... پس چه چیز سخت‌تر از غضب است. (أَيُّ شَيْءٍ أَشَدُّ مِنَ الْغَضَبِ؟ إِنَّ الرَّجُلَ لِيَغْضِبَ فَيَقْتُلَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ وَيَقْذِفَ الْمَحْصَنَةَ).^۱

۱ - اصول کافی، باب غضب، کتاب ایمان و کفر، ج ۲، ص ۳۰۳، حدیث ۴

عناد شیطان

پس از آن که ابلیس سه پند از هزار و سه پندش را بیان کرد، به حضرت موسی (علیه السلام) گفت:

ای موسی! اکنون که تو را سه پند دادم (به تو حقی پیدا کردم) در عوض، از خدا بخواه تا مرا بیامزد چرا که تو مقام و منزلتی در درگاه الهی داری و می‌توانی از من شفاعت کنی (فاشفع لی إلی ربی أن یتوب علیّ)^۱

موسی (علیه السلام) به درخواست ابلیس پاسخ مثبت داد و از ابلیس شفاعت کرد! خداوند متعال در پاسخ فرمود:

ای موسی! شفاعت تو را می‌پذیریم اما شرط آمرزش شیطان آن است که بر قبر حضرت آدم (علیه السلام) سجده کند! (یا موسی! قد قضیت حاجتک فمرّه أن یسجدَ لقبرِ آدم)

حضرت موسی (علیه السلام) فرمان خدا را به ابلیس ابلاغ کرد. ابلیس که هم‌چنان در خودخواهی و تکبر غوطه‌ور بود، گفت:

ای موسی! من در آن هنگام که آدم ابوالبشر زنده بود، بر او سجده نکردم، حال چگونه می‌توانم بر قبرش سجده کنم؛ لم اسجد له حیاً فکیف أسجد له میتاً.^۲

۱- از این قسمت روایت استفاده می‌شود که: علاوه بر صحیح و شرعی بودن توسل به اولیاء الهی و بندگان صالح خدا، بهترین و نزدیکترین راه رسیدن به مقاصد و برآورده شدن حوائج همین توسل به اولیاء الهی و درخواست شفاعت از آنهاست. تا جایی که شیطان هم دست به دامن حضرت موسی (علیه السلام) می‌شود و از او درخواست شفاعت می‌کند.

۲- این روایت با تفاوتی در برخی الفاظ، و جابجایی در جملات، در کتاب‌های مختلف نقل شده است؛ از جمله رجوع کنید به: المحجة البیضاء، ج ۵، ص ۵۹، کتاب شرح عجائب القلب و بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۶۳۴، و در کتاب قصه‌های قرآن (محمد محمدی اشتهاردی) این روایت بطور کامل از کتاب هُمای سعادت ص ۲۰۶، نقل شده است (ص ۱۸ و ۱۹ بخش قصه حضرت آدم ابوالبشر «علی نبینا و آله و علیه السلام»)

■ پند سوم شیطان

و این نشان از ادامه عناد و تکبر شیطان می‌باشد که با آن، فرصت و مهلت الهی را از دست داد. از خداوند متعال توفیق عمل به این روایت را خواستاریم و از وسوسه‌های شیطان به او پناه می‌بریم و ایمنی می‌طلبیم.



کتابنامه



کتابنامه

منابع و مأخذ این نوشتار، پس از قرآن کریم به شرح زیر است:

- ۱ - الکافی، ثقة الاسلام کلینی، تصحیح علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸ قمری.
- ۲ - المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، محدث بزرگ فیض کاشانی، دفتر انتشارات اسلامی قم.
- ۳ - الحکم الزاهرة، علیرضا صابری یزدی، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.
- ۴ - العروة الوثقی، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، نشر مدرسه علی ابن ابیطالب، الطبعة الاولى ۱۴۲۸.
- ۵ - /خلاق در قرآن، آیت الله مکارم شیرازی نشر مدرسه الامام علی بن ابیطالب ۱۳۸۱.
- ۶ - /سرار معراج پیامبر، علی قرنی گلیپایگانی، انتشارات کتابچی، چاپ پنجم ۱۳۷۳.
- ۷ - /الکتب الأربعة (در دو جلد قطور) انتشارات مؤسسه انصاریان، چاپ اول ۱۳۸۲.
- ۸ - بحار الانوار، علامه مجلسی، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم ۱۳۸۲.
- ۹ - پوشش زن در اسلام، محمدی اشتیاردی، انتشارات ناصر، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۴.

- ۱۰ - پوشش زن در گستره تاریخ، طیبه پارسا، انتشارات احسن الحدیث، ۱۳۷۷.
- ۱۱ - پیام پیامبر، بهاء الدین خرمشاهی و مسعود انصاری، نشر منفرد، چاپ اول ۱۳۷۶
- ۱۲ - تفسیر نور الثقلین، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، قم مطبعة الحکمه.
- ۱۳ - تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبه حرّانی، کتابفروشی اسلامیة، چاپ سوم ۱۳۶۶
- ۱۴ - ترجمه میزان الحکمه، محمدی ری شهری، چاپ دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۷
- ۱۵ - ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق (ره)، انتشارات اخلاق، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۱۶ - ده گفتار، استاد مطهری، انتشارات صدرا، چاپ هفدهم ۱۳۸۰
- ۱۷ - زن در آینه جمال و جلال، آیت الله جوادی آملی، چاپ پنجم، مرکز نشر اسراء.
- ۱۸ - حکایت‌های شنیدنی، محمد محمدی اشتهاردی، انتشارات علامه، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۱۹ - سفینه البحار، حاج شیخ عباس قمی، چاپ دارالاسوه، چاپ دوم ۱۴۱۶
- ۲۰ - شرح چهل حدیث، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، چاپ اول ۱۳۷۱.
- ۲۱ - شرح غرر الحکم و درر الکلم آمدی، سید هاشم رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم ۱۳۷۸
- ۲۲ - قصه‌های قرآن، محمد محمدی اشتهاردی، مؤسسه انتشارات نبوی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۲۳ - کبریت الاحمر فی الشریط المنیر، محمد باقر الخراسانی القایینی، چاپ کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۶.
- ۲۴ - کشف الخفاء عجلونی، نشر دارالکتب العلمیه، چاپ سوم ،

بیروت ۱۴۰۸ ق.

۲۵ - کنز العمال، متقی هندی، نشر مؤسسة الرسالة، بیروت ۱۴۰۹

۲۶ - کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، نشر هستان،

۱۳۷۸

۲۷ - مثنوی معنوی، جلال الدین محمد بلخی مولوی، چاپ

اقبال، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

۲۸ - مجموعه آثار، استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا

۲۹ - مجمع الزوائد، علی ابن ابی بکر الهیثمی، دارالکتب العلمیة،

بیروت ۱۴۰۸

۳۰ - المواعظ العددیة، آیت الله مشکینی، دفتر نشر الهادی، چاپ

هفتم، ۱۴۲۳ قمری.

۳۱ - نهج الفصاحه، تک جلدی، ترجمه ابوالقاسم پاینده،

انتشارات جاویدان، ۱۳۷۷

۳۲ - نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، چاپ پنجم، مؤسسه

دار الهجرة

۳۳ - وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ۳۰ جلدی، چاپ بیروت،

چاپ دوم، ۱۴۲۴.



سؤال مسابقه



نمونه سؤال برای برگزاری مسابقات

۱. طبق روایت پیامبر ﷺ مهمترین عامل جهنم رفتن مسلمانان چیست؟
۲. «برای شهوت ران، زن های یک شهر هم کم است» این جمله از کیست و در چه کتابی نقل شده است؟
۳. به نظر شهید مطهری تقوا در موضوع شهوت چگونه است؟
۴. غسل کردن زنی که خود را برای نامحرم معطر نموده، چه حکمی دارد؟
۵. «در آخرالزمان مرد را برای حفظ ناموسش سرزنش می کنند» این روایت از کیست؟
۶. طبق روایت پیامبر ﷺ زناى چشم چیست؟
۷. «حجاب زن حقى الهى است، نه حق شخصى و خانوادگى» این جمله از کیست ؟
۸. «دَيُوث» به چه کسی گفته می شود؟

پاسخ سؤالات

شکم و شهوت ، امام خمینی در کتاب شرح چهل حدیث، حریم گرفتن و در معرض آن قرار نگرفتن، مستحب است، پیامبر ﷺ نگاه حرام، آیت الله جوادی آملی، مردی که نسبت به حجاب و عفت ناموسش بی تفاوت است.